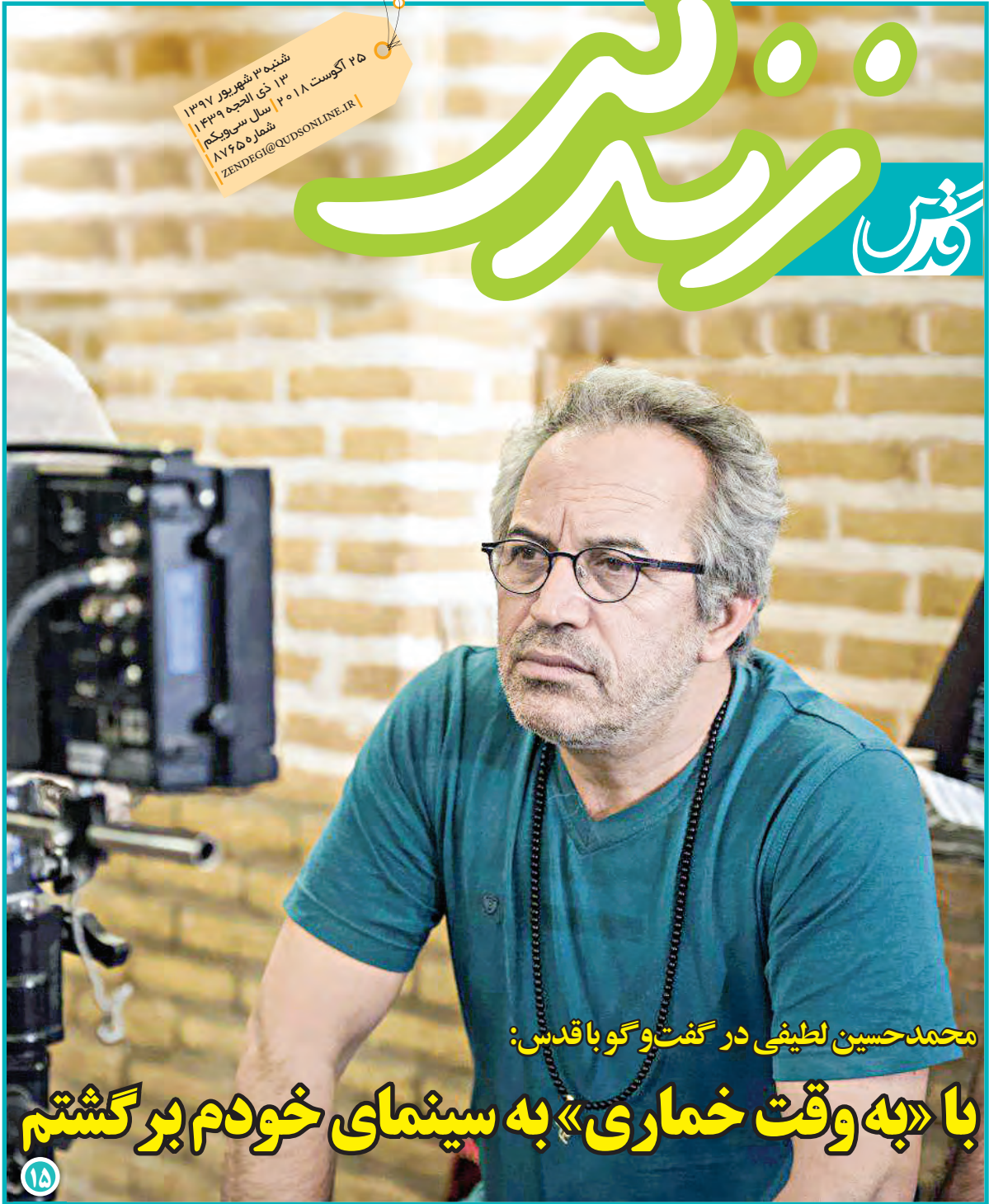
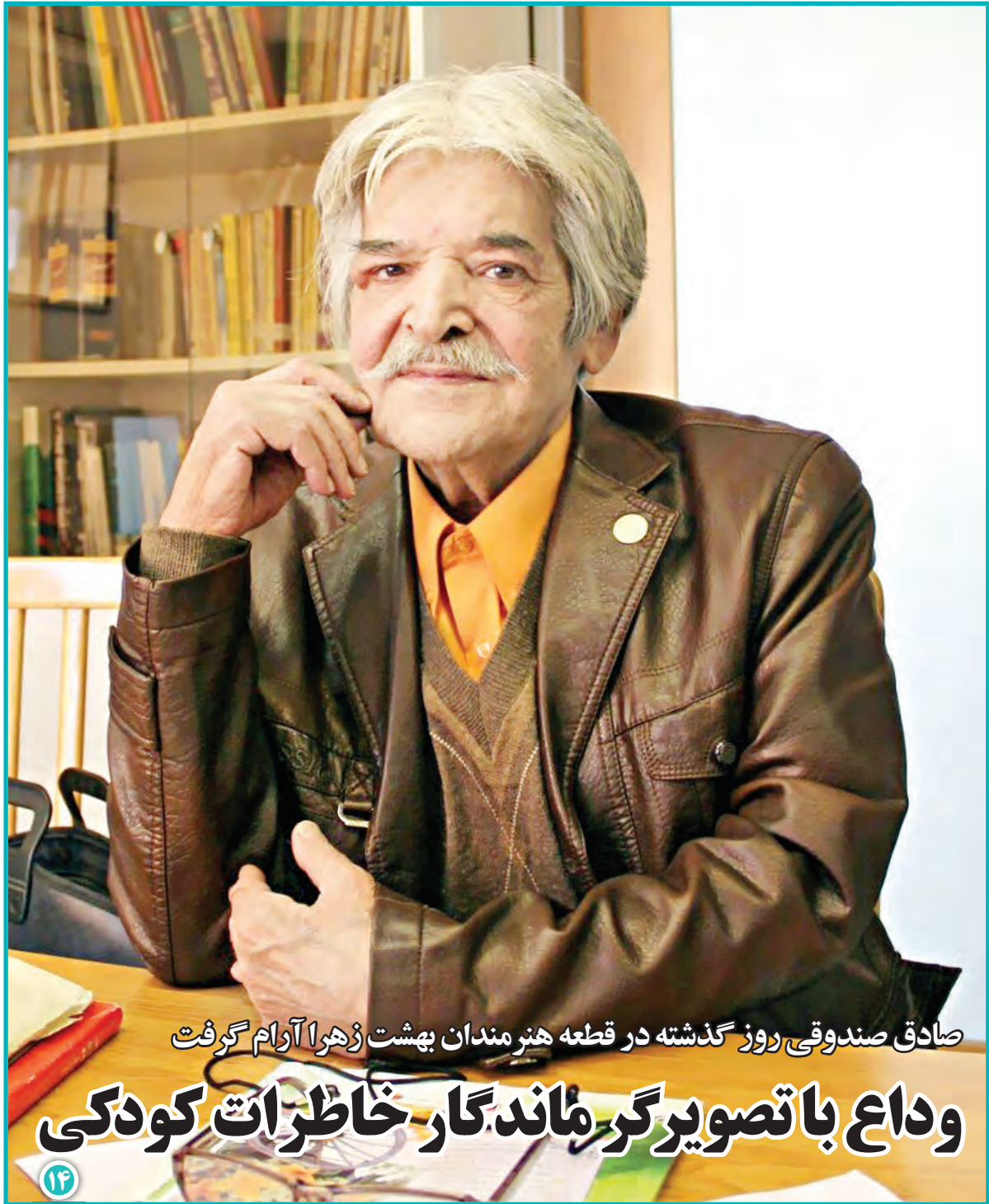




در حاشیه

گردشگران خارجی درباره حرم امام رضا(ع) چه می گویند؟

جایی مهم تر از تأسیسات هسته‌ای نظنز

از همان روزهای اولی که پای جهانگردان اروپایی به ایران باز شد، استان خراسان بزرگ آن‌زمان که بخش زیادی از خاک افغانستان را هم شامل می‌شد، همواره یکی از مقاصد مهم آن‌ها برای سفر بود. در واقع این‌جا برایشان مثل سرزمینی ناشناخته بود که کلی جاذبه کشف نشده داشت. یکی از آن محل‌های جذاب برای گردشگران فرنگی، حرم امام رضاع) بود. جایی که به خاطر اعتقادات سفت و سختی که آن زمان وجود داشت، به هیچ عنوان حق ورود به این مکان را نداشتند. بنابر نقل‌های تاریخی مشهور آرمینیوس وامبری دی‌گرشگر خارجی بود که با تغییر لباس و کلی اعمال دیگر توانست داخل حرم شود. پس از گذشت حدود ۴۰۰-۳۰۰سال از آن‌زمان، حرم امام رضاع) هنوز هم برای گردشگران خارجی جذابیت دارد و ازقضا ورودشان به این مکان مقدس راحت‌تر از گذشته شده است، اما گردشگران خارجی هنوز نمی‌توانند ذوق و شوق و حیرتشان را از دیدن حرم امام رضاع) پنهان کنند.



✦ **خبرنگار خبرگزاری ولت آلمان:**

مشهد دومین شهر بزرگ ایران است و اهمیت آن به مقبره مردی برمی‌گردد که بر اساس روایات تاریخی اسلامی یکی از وارثان بی‌واسطه پیامبر اسلام می‌باشد.» در ادامه این گزارش آمده که اهمیت دیگر مشهد به دلیل قرار گرفتن آن در نزدیکی جاده ابریشم است و در گذر زمان نقش مهمی در سلسله‌های تاریخی ایران داشته است. نویسنده این مقاله می‌گوید: شیعیان حداقل یک بار در زندگی خود برای زیارت و دعا از این مکان دیدن می‌کنند. مشهد هر ساله ۲۰ میلیون مسافر دارد و با مساحتی حدود ۶۰۰ هزار متر مربع بزرگ‌ترین مجموعه حرم و مسجد در جهان است، حتی شهرگتر از حرم کعبه در مکه و حرمین کرپلاست. جالب این است که غیرمسلمانان هم دسترسی آزادی به این مکان دارند.

نه تنها نگاه دشمنی به آن‌ها وجود ندارد، بلکه شیعیان از اینکه غیر مسلمانان از امکان آن‌ها بازدید می‌کنند، خوشحال می‌شوند. برای افراد فرقی نمی‌کند که چه جایگاهی دارند. مهندسان، پزشکان، دانشجویان، کارگران و... همه افراد سعی می‌کنند به حرم نزدیک شده و کاشی کاری‌های منقش به خطوط خوشنویسی را لمس کنند. گوشه‌ای مردی اقلامی آرام به یاد واقعه کربلا در سال ۶۸۰ میلادی گریه به می‌کند. گوشه‌ای دیگر صدها فرش با کمک مردم پهن می‌شود تا روی آن بنشینند و با دقت بیشتری به کلمات و محتوای کتاب‌های دعا توجه کنند. احترام به شهیدان و ارج نهادن به آن‌ها در ایران یک حاجت جمعی است.

✦ **استیو اینسکیپ، خبرنگار روزنامه واشنگتن پست:**

امام رضاع)، یکی از مقدس‌ترین شخصیت‌های شیعیان در شهر مشهد واقع در شمال شرقی ایران نزدیک جلگه‌های آسیای مرکزی به خاک سرده شده است. زائران با عبور از خیابان‌های مملو از مغازه‌های توریستی که اقلامی دارند، به اینجا می‌آیند. از غیرمسلمانانی همچون من خواسته شد تا راه فروش می‌رسانند، به حرم ایشان نزدیک می‌شوند.

قرن‌هاست که مؤمنان برای خواندن نماز در حیاط‌های بیرونی حرم که هرکدام در احاطه دیوارهای مزین به روکش طلایی و کاشی موزاییک آبی قرار دارند، به اینجا می‌آیند. از غیرمسلمانانی همچون من خواسته شد تا از طریق یک دروازه جداگانه وارد حرم شویم و باجه‌های بازرسی بدنی به حدی زیاد بود که مترجم ابرانیم به شوخی خطاب به یک نگهبان گفت: «کنترل‌های امنیتی در اینجا از تأسیسات هسته‌ای نظنز در اصفهان نیز شدیدتر است».

نگهبان در پاسخ گفت: «این حرم در مقایسه با تأسیسات هسته‌ای اصفهان از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است».

در حدود دو هفته‌ای که در ایران بودم و در این مدت با کارگزاران املاک، نامزدهای ریاست جمهوری و مغازه داران در بازارها صحبت کردم و به درستی حرف آن نگهبان پی بردم.

تمرکز ما در غرب بر روی غنی سازی هسته‌ای ایران است که نماد شخصیت ملی این کشور و نیز قدرت واقعی آن محسوب می‌شود، اما حرم امام رضا (ع) معرف چیزی فراتر از آن است، چیزی که عمق و غنای بیشتری دارد: نماد سنت‌های مذهبی، نماد تاریخ پرشکوهِ ایران و نماد نفوذ فرهنگی گسترده آن. این حرم یک مقصد بزرگ توریستی است و در شهر زادگاه رهبر عالی ایران، این‌تالاه خامنه‌ای واقع شده است. شهری که همانند مابقی کشور خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کند.

در شهر مشهد توانستم آنچه را که تحلیلگران پیش از این در داخل و خارج از این کشور به من گفته بودند، مجسمم کنم. آمریکایی‌ها برای درک ایران باید به همه پیچیدگی‌های زندگی ایرانی و نه صرفاً موضوعات برجسته‌ای که مایه نگرانی مستقیم واشنگتن است، توجه کنند.

راهنمایم به من گفت: سالانه ۱۲ میلیون زائر به مشهد سفر می‌کنند، حتی در بعدازظهر یک روز تعطیل جمعه شاهد بودم که مردم دسته دسته از نقاط بازرسی ورودی حرم عبور می‌کردند، در زمانی که کوه‌های اطراف شهر از سفیدی برف، برق می‌زد. در طول نزدیک به ۱۲۰۰ سال، مجموعه حرم امام رضاع) گسترش یافته است. یک زمانی در داخل حرم من از زیر طاق‌های قوسی از یک حیاط به حیاط مجاور رفته در حالی که هزاران فرش قرمز برای نمازگزاران پهن شده بود. ورود غیرمسلمانان به تالارهای داخلی حرم ممنوع است، اما در یکی از ورودی‌های گروهی از زائران صمیمانه من را به درون یک اتاق بزرگ با سقف گنبدی هدایت کردند. همه قسمت‌های دیوارها و سقف با کاشی‌های کوچک آینه کاری شده، مزین شده بود. یک غربی بنقد تصور متفاوتی از این مکان داشته باشد، اما راهنمای حرم به من گفت بسیاری از زائران در هنگام ورود به این مکان گویی احساس می‌کنند که وارد بهشت شده‌اند. در نهایت اینکه صادقانه بگویم کاشی‌های آینه کاری شده نمایی از خود ایران است، آن‌ها زیبا و ظریف هستند.

داستان معلمی که در شرایط ویژه هم درس دادن به دانش آموزش را رها نکرد و به تیتتر اول رسانه های خارجی رسید

کلاسی درس پشت شیشه I.C.U



نمره احساس ایرانی ها را پایین نیاورید

بابت این کار؟ خودت گفتی که از تو عکس بگیرند و بعد به این واسطه معروف شوی؟ من اگر دستم می‌رسید واقعا نمی‌گذاشتم این عکس منتشر شود و کار من را این‌قدر بزرگ کنند.

✦ **بالاخره حرکت شما ارزشمند بوده و باید دیده شود تا بقیه هم یاد بگیرند.**
من کاملاً با شما مخالفم. بزرگ کردن کار من پشت شیشه‌I.C.U یعنی پایین آوردن نمره احساس مردم ایران.در حالی‌که این‌اصلاًدرست نیست و با واقعیت در تضاد است.اوج نشان دادن حرکت من و قدردانی از آن همان چند ثانیه‌ای بود که در خبر بیست و سی نشان داد نه بیشتر. من با شما دور و بر خودمان را نگاه کنیم، کلی آدم پیدا می‌کنیم که کارهای بزرگ‌تر از این انجام داده و دیده نشده‌اند. من آدم می‌شناسم که آبروی چندین ساله‌اش را برای یکنفر گرو گذاشته تا کارش راه بیفتد. از این اینتراها در ایران کم نداریم.

من از تعجب بقیه حیرت کردم ویا خودم می‌گفتم چقدر کار خیر کم شده است که این حرکت کوچک بدون هزینه این‌قدر به چشم مردم آمده است.

در آن کشور، برای بچه‌هایی که در این سن دچار بیماری سرطان می‌شوند، اتفاقی مهیا می‌کنند که مناسب سنشان باشند و برای آن‌هایی که مدرسه می‌روند، یک معلم در بیمارستان مستقر می‌کنند.

✦ **و یکی دو روز بعد عکس شما در همه کانال‌ها و صفحات اینستاگرام دست به دست می‌چرخد.**

بله؛ من اصلاًدوست نداشتم کسی بفهمد که دارم چه کار می‌کنم، اما همه‌چیز برعکس شد. یکی دو روز بعد با بچه‌ها در بیمارزاده نشسته بودیم که یک‌دفعه یکی از بچه‌ها گفت که حاج‌آقا معروف شدی؟ بعد هم گوشی‌اش را درآورد و عکسم را در یکی از خبرگزاری‌ها در صفحه‌اش گذاشته بود را نشانم داد. بعد هم هر چند دقیقه یکبار پیام می‌آمد که حاج‌آقای نورانی ما عکس شما را در فلان‌جا دیدیم. جالب است اصلاً یک درصد هم فکر نمی‌کردم که کارم برای عکاسی عجیب باشد و از من عکس بگیرد. چه برسد به اینکه در شبکه‌های اجتماعی هم پخش شود و کار به تلویزیون و بیست و سی و ماه عسل هم بکشد

خاص داشت و من تأثیر حضور خودم را در کنارش دیده بودم، رابطه‌ام را با او تقویت کردم، بعد از آن جریان و وقتی که حالش کم‌کم رو به بهبودی گذاشت و از بیمارستان مرخص شد، رابطه‌مان شد در حد همان سلام و علیک قبلاً. با وجود این‌که خانواده‌اش می‌خواستند من بیشتر با آن‌ها رفت و آمد داشته باشم.

آخر یکی از معلم‌ها به من گفته بود که خیلی به او وابسته نشوم که اگر خدایی ناکرده اتفاق ناگواری برایش افتاد، ضربه روحی نخورم. هم‌چنین محمدمهدی بعد از خوب شدنش خیلی‌وابسته‌اش نمود.

خیلی عادی است که از بوی گند جسد یکنفر، بفهمند کسی مرده است. شاید باورتان نشود اما می‌گفت یک روز به یکی از همکاران من زنگ زند و خبری را دادند. او هم پشت تلفن قیافه‌اش کمی عوض شد و بعد گفت که الان نمی‌توانم بیایم. پرسیدم که چه اتفاقی افتاده، جواب داد که مادرم فوت کرده. آن‌وقت ما این‌جا ریفقمان دو روز با ما قهر کند و حرف نزنند، دیوانه می‌شویم. کار من چرا برای خارجی‌ها عجیب است، چون کشورهای اروپایی و غربی دارند با فقر احساس دست و پنجه نرم می‌کنند. به همین دلیل است که وقتی عکس من به دستشان می‌رسد، می‌شود تیتتر اول خبرگزاری‌هایشان و با تعجب می‌گویند که مگر می‌شود یک معلم از وقت و ساعت خودش بزند و بجایي برود بیمارستان که به یک دانش‌آموز درس بدهد. ببینید، موضوع درس‌دادن و بازی کردن برایشان عجیب نیست، چون آن‌هاهمچین آدمی را در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی‌شان دارند و بابتش حقوق می‌دهند.

چیزی که برایشان مایه تعجب است، این احساساتی است که بین ما موجود دارد. مثلاًسوال یکی از سؤندی‌ها که می‌پرسید واقعا پول نگرفتی

✦ **جالب است که آن اوایل شما را به کشورهای دیگر نسبت می‌دادند.**

یکبار نوشته بودند این آقایی که پشت شیشه بیمارستان نشسته، مصری است. یاردیگر گفتند که عراقی هستم. پای یکی دو کشور هم به میان آمد. ولی مگر این قضیه مهم است؟ حالا خدا رفتند که من مال کشور دیگری هستم، در اصل کار و خوبی نفس آن، هیچ تأثیری نخواهد داشت.

✦ **و احتمالاً کلی بازخورد از آدم‌هایی گرفته‌اید که در خارج از کشور زندگی می‌کنند؟**

بله؛ داتلانت یخواهد از افغانستان بازخورد گرفت که می‌گفتند در کشور ما حسایی معروف شده‌ای و عکس سسروصدا کرده است. یکی دو نفری هم از سوئد اکالت من را پیدا کرده بودند و برایشان عجیب بود که یک معلم آمده و همچنین کاری کرده است. از مالزی هم تماس داشتم.

✦ **واقعا کار شما برایشان عجیب بود؟**
من دوستی دارم که در سوئد زندگی می‌کند. چندوقت پیش تعریف می‌کرد که در آن کشور

صدای خمپاره درمی‌آوردیم و منفرج شدنش لگد محمدمهدی به شیشه اتاق بود. گاهی اوقات صدای پرستارها درمی‌آمد که بابا اگر بازی هم می‌کند، فقط بپاشش تر.

✦ **کل مدت زمانی که او در بیمارستان و بخش مراقبت‌های ویژه بستری بود، هرروز می‌رفتید آن‌جا؟**

بله؛ غیر از یک روز جمعه که برابم کاری پیش آمد و نتوانستم بروم، بقیه روزها را می‌رفتم بیمارستان که در یکی از همان روزها آن عکس معروف را از من گرفتند. فکر کنم یک ماه طول کشید و من اصلاً گذر روز و ساعت را حس نمی‌کردم. چون بشدت به کاری که می‌کردم ایمان و علاقه داشتم.

✦ **خودتان رفتید سر اصل مطلب، ماجرای عکس شما که در شبکه‌های اجتماعی ترند شد و کلی سروصدا کرد. چه کسی آن تصویر را از شما گرفت و منتشر کرد؟**
من در آن مدتی که در بیمارستان می‌رفتم و می‌آمدم، این‌قدر حواسم پیی محمدمهدی بود که متوجه واکنش‌ها و رفتارهای کار درمائی

✦ **امردم/ حامد کمالی | این عکس اولین‌بار در خبرگزاری‌های داخلی و صفحات مجازی ایرانی‌ها دست به دست چرخید. با هشتگ معلم فداکار و این روایت تک خطی: معلم یکی از مدارس تهران به دانش آموزش که سرطان دارد و در بیمارستان بستری است، درس می‌دهد تا او مدرسه عقب نماند. خیلی طول نکشید که عکس به تیتتر اول اسپوتنیک و دیلی‌میل تبدیل شد. آن‌ها هم با کلی تعجب و حیرت نوشتند که معلم ایرانی بدون گرفتن دستمزد و پول، برای دانش‌آموزش در بیمارستان وقت می‌گذارد و به او درس می‌دهد. کامنت‌هایی هم کم فرنگی‌ها گذاشته بودند، نشان می‌داد که حسایی تعجب کرده‌اند و چنین کاری اصلاً برایشان قابل باور نیست. بعد از کلی جست و جو بالاخره محمد نورانی، صاحب آن تصویر معروف، را پیدا کردیم و با او به گفت‌وگو نشستیم.**

✦ **آقای نورانی! شما اول لباس روحانیت پوشیدید و بعد معلم شدید یا برعکس؟**
بگذارید کمی به عقب‌تر برگردم. من اول کارگر چاپخانه‌ای در تهران بسودم. بعد مدتی به خاطر علاقه‌ای که به درس حوزوی داشتم، رفتم و طلبه شدم. سال چهارم طلبگی بودم که به من گفتند

یکی از مدارس تهران معلم خط و خوشنویسی می‌خواهد. از آنجاکه چیزهایی در این زمینه بلد بودم، این شغل را قبول کردم. یک سال و خورده‌ای درس دادم و چون حس کردم که سطح من و هنرم خیلی به درد آن کلاس نمی‌خورد، کنار گذاشتم و شدم معلم درس هدیه‌های آسمانی و بعد از مدت کمی هم گفتند که بیا و ناظم مدرسه هم باش. من هم قبول کردم و شدم.

✦ **از آن ناظم‌های خشنی هستید که بچه‌ها جرئت نزدیک شدن به آن‌ها را ندارند؟**
اصلاً رابطه‌ام با بچه‌ها بیشتر تربیتی است تا انضباطی. سسر صف که هستند باهم سرود می‌خوانیم و کارهایی از این دست انجام می‌دهیم. با این‌که ناظم هستم، اما با دانش‌آموزانم دوست و رفیق هستم. این‌قدر که اگر اردویی می‌رویم، بی‌ترس و واهمه با من شوخی می‌کنند. حتی به قول معروف شوخی‌های پشت وانته! اگر حرفی داشته‌باشند، خیلی راحت به من می‌زنند. ولی در عین این رفقت، جذبه خودم را هم حفظ کردم و روی حرف من جرئت ندارند، چیزی بگویند. اگر بگویم فلان کار را نکنید، انجام نمی‌دهند.

✦ **پس آن دانش‌آموزی هم که شما از پشت شیشه اتاق I.C.U به او درس می‌دادید، از بچه‌های مدرسه خودتان بود؟**

از دانش‌آموزان مدرسه‌ما بود، ولی من ناظمش نبودم. محمدمهدی آن‌زمان پایه اول درس می‌خواند و من ناظم بچه‌های سوم و چهارم و پنجم بودم. ولی از آن‌جایی که بچه خوش‌صحت و خوش‌اخلاق و شوخی بود، در مدرسه باهم دوست بودیم، می‌آمد جای من و باهم صحبت می‌کردیم و قول معروف سلام و علیکی داشتیم و تقریباً کامل می‌شناختمش.

✦ **حالا که اسسم محمد مهدی آمد، برویم سروقت اتفاقی که برای او افتاد و بعد عکس معروفی که از شما منتشر شد. آن‌طور که می‌گفتند و روایت شد، او به خاطر سرطان بستری شده بود، درست است؟**
بله و این ماجرای سرطان داشتن محمد مهدی را، خانواده‌اش خیلی اتفاقی و برائر یک حادثه متوجه شدند.

✦ **چه حادثه‌ای؟**

گفتم که محمد مهدی بچه پرچنب و جوش و به اصطلاح شلوفی بود. یک روز تذکرهای ناظمشان افاقه نمی‌کند و دست از شلوع کردن برنمی‌دارد. ناظم هم از همه‌جا بی‌خبر ضربه خیلی آرومی به صورتش می‌زند. فردا صبح مدراس آمد مدرسه به شکایت که مربی شما پسر من را طوری کتک زده که صورتش کبود شده است. قسم و آیه خوردن‌های همکار ما و کادر مدرسه خیلی فایده ندارد و خانواده‌اش قبول نمی‌کنند ضربه‌ای که به صورت محمد مهدی خورده اصلاً محکم نبوده است. خلاصه بچه را می‌برند دکتر و تازه آن‌جا متوجه می‌شوند که پلاکت خوئش بشدت پایین است. بعد از چندتا آزمایش و دکتر رفتن متوجه می‌شوند که سرطان دارد. خیلی روزهای سختی بود. هم برای خودش و هم برای خانواده‌اش. الان که آن روزها در ذهنم دارد مرور می‌شود، دیگر دوست ندارم حتی یک ثانیه‌اش هم برگردد.

✦ **شما همان‌روز متوجه این ماجرای سرطان خون شدید یا چند روز بعد به شما گفتند که چنین اتفاقی افتاده؟**

اگر اشتباه نکنم، روز دوم یا سوم بود که من خبردار شدم. صبح آمدم مدرسه که یک‌دفعه گفتند فلانی سرطان خون دارد، حالش هم خیلی مساعد نیست و الان در بیمارستان بستری است. یک لحظه بهمتم برد و این‌قدر این خبر سنگین بود که روی پا نتوانستم بایستم و نشستم. چند دقیقه بعد هم سوار موتور شدم و رفتم بیمارستانی که محمدمهدی در آن‌جا بستری شده بود. همه فامیل‌هایشان جمع شده بودند که ببینند چه

✦ **بعد از آن اتفاقات رابطه‌تان با محمدمهدی که این‌همه می‌گفتید حساس است و پاهوش، به هم نخورد؟**
ما بعد از گزارش بیست و سی شبکه دو باهم به چالش خوردیم و دیگر رابطه‌مان مثل سابق نشد. بچه فکر می‌کرد که از او سوءاستفاده کردیم تا خودم را مطرح کنیم. کلی وقت گذاشتم و باهم صحبت کردیم تا قانع شد که این اتفاقات ناخواسته بوده و من هیچ نقشی در آن نداشتم. برای همین بعد از آن با هیچ رسانه‌ای گفت‌وگو نکردم. حتی دعوت مامه‌لس را هم رد کردیم.

✦ **کادر مدرسه که می‌دانستند دارید چه کار می‌کنید، واکنش دانش‌آموزها بعد از دیدن آن عکس چه بود؟**

از آن روز به بعد همه‌شان می‌خواستند که با من به بیمارستان بیایند و به همین واسطه من دور محمدمهدی شلوع شد. هرروز چند نفری از بچه‌ها و حتی دوستان من که تا

حاشیه

بر خلاف تصور مردم حال محمد مهدی خوب است

پسری که از سرطان نجات پیدا کرد

نمی‌کردی و حالا داری هدیه می‌دهی به دهی به دوست؟

✦ **الآن بهبود پیدا کرده است یا نه؟**

بله؛ به لطف خدا کاملاً خوب شده است و کلاس کاراته و ورزش می‌رود. البته چون در آن مقطع محمدمهدی نیاز به یک توجه

کارشناس تاریخ اسلام تشریح کرد

چرا غدیر به غیبت ختم شد؟

ا **معارف** | اینکه ولایت، یک روز در غدیر در رأس و بالای دست رسول خدا(ص) بود و امروز به جایی می‌رسد که نمی‌تواند در جامعه حاضر باشد، علت‌های متعددی دارد.

حجت‌الاسلام جواد سلیمانی، استاد حوزه و کارشناس تاریخ اسلام در گفت و گو با شبستان درباره فلسفه رسیدن به غیبت امام عصر(عج)بعز واقعه‌ای با عظمت غدیر و ولایت‌امیرالمؤمنین(ع)، گفت: برای پاسخ به این پرسش توجه به چند نکته لازم است؛ نخست اینکه مهم‌ترین مسئله‌ای که در صدر اسلام سبب شد ولایت امیر و وصیت نبی(ص) نادیده گرفته شود، نوع نگاه به رسالت بود؛ برخی بسیار سطحی‌نگرانه از کنار رسالت رسول خدا(ص) گذشتند، یعنی تصور کردند همین که رسول خدا(ص) را دوست داشته باشند و در زمان حیات پیامبر(ص) با ایشان باشند و به سخنان حضرت(ص) گوش فرا دهند، دین‌شان کامل است و مسئولیت دیگری ندارند. بسیاری از این افراد دین‌شان بند به شخص رسول الله(ص) بود، یعنی تا وقتی رسول خدا(ص) در میان آنان بودند، ایمان آن‌ها هم پابرجا و استوار بود و وقتی پیامبر(ص) در میان‌شان حضور نداشت، ایمان‌شان فروکش می‌کرد. به عنوان مثال در جنگ اُحد تا زمانی که شایعه کشته شدن رسول خدا(ص) در میان نبود، همه خوب می‌جنگیدند اما همین که شایعه کشته شدن حضرت(ص) پخش شد بسیاری از افراد پا به فرار گذاشتند و حتی گفتند «بهتر است پیش عبدالله بنِ آبی برویم که نزد ابوسفیان برای ما وساطت کند تا به خاطر این مدتی که مسلمان بوده‌ایم کاری با ما نداشته باشد» یعنی به یکباره فروغ ایمان در دل آن‌ها از بین رفت! این رویکرد در موضوع ولایت و امامت نیز صادق بود، وقتی رسول خدا(ص) فرمودند: «مَنْ کُنْتُ مَوْلَا، فَبِعَیْنِی مَوْلَاهُ» این گروه آمدند و در حضور پیامبر(ص) با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کردند اما بعد، وقتی پیامبر(ص) در بستر بیماری قرار گرفت ارداتی که به ایشان و دین داشتند، کسم فروغ شد و به دنبال آن موضوع بیعت با امیرالمؤمنین(ع) نیز تحت‌الشعاع قرار گرفت.

ایمان‌هایی که به آسمان وصل نبود

عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) بیان کرد: لذا وقتی پیامبر(ص) فرمودند همه در سیه اسامه به جنگ با رومیان بروید، بسیاری از این دستور پیامبر(ص) سرس باز زدند، چون ایمان آن‌ها بند به شخص پیامبر(ص) بود، ایمان ضعیفی که وقتی پیامبر(ص) رحلت کرد گرایش‌ها و رقابت‌های قبیله‌ای جای آن را گرفت. با همین رقابت‌ها بود که گفتند علی(ع) جانشین پیامبر(ص) نباشد و تعبیر هم می‌کردند رسالت در میان بنی‌هاشم بوده و لذا لازم نیست جانشینی و ولایت نیز از آن بنی‌هاشم باشد.

وی اضافه کرد: «رقابت‌های قبیلگی» برای آن‌ها مهم بود نه آنکه خدا و رسول خدا(ص) چه می‌خواهند.

حجت الاسلام سلیمانی با اشاره به آیاتی از قرآن کریم گفت: قرآن در سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ



قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُبِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؛ محمد(ص) جز یک پیامبر نیست که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و درگذشتند، ای اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت شما باز به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟» یعنی چرا دین شما بند به شخص است؟ او یک رسول است؛ رسولان دیگر هم آمدند و رفتند؛ اصولاً رسول نمی‌ماند اما دینش باقی می‌ماند. شما باید از رسول به دینش برسید. این کارشناس دینی ابراز کرد: این موضوع یکی از ریشه‌ای‌ترین عواملی است که موجب شد ولایت جدی گرفته نشود و سفارش رسول خدا(ص) در این باره تا حد یک سفارش شخصی تلقی شود. امروز نیز در جامعه ما کسانی هستند که از ارادتمندان به حضرت امام (ره) بودند، اگر حضرت امام(ره) در زمان حیات شان دستوری می‌داند آن‌ها دقیقاً اجرامی کردند!اما فقط به «شخص» امام ارادت داشتند و به «شخصیت» امام نرسیده بودند. حضرت امام(ره) یک «شخص» بود با خصوصیات اخلاقی خود، یک بیوگرافی ویژه، ظاهر و قیافه خاص خود، اما شخصیت امام عبارت است از «ولی» فقیه؛ کسی که می‌خواهد احکام خدا (فقه) را در جامعه پیاده کند.

وی ادامه داد: کسانی که از ارادت به حضرت امام(ره) به ارادت به احکام الهی و خداوند متعال و ارادت به حقیقت انقلاب رسیدند، دانستند که یکی از عناصر اصلی حقیقت انقلاب، «مطیع بودن برای همگان حاصل می‌شد برخی بعد از حضرت امام(ره) دچار مشکل نمی‌شدند. حجت‌الاسلام سلیمانی در بخش دیگری از سخنان خود به سایر عوامل مؤثر در عقبگرد

برش
کسانی که از ارادت به حضرت امام(ره) به ارادت به احکام الهی و خداوند متعال و ارادت به حقیقت انقلاب رسیدند، دانستند که یکی از عناصر اصلی حقیقت ولایت فقیه، است. اگر چنین نگاهی برای همگان حاصل می‌شد برخی بعد از حضرت امام(ره) دچار مشکل نمی‌شدند

نافرمانی از حضرت امیر(ع) را تئوریزه کردند

استاد تاریخ اسلام تصریح کرد: آن‌ها می‌گفتند عیار رای امیرالمؤمنین(ع) بسا عیار رای دیگران تفاوتی ندارد؛ هر دو رای بشری است و هیچ کدام مقدس نیست و کاشف از رای خدا هم نیست و این مسئله را نمی‌پذیرفتند که رای امیرالمؤمنین(ع) حجت است. تا آن روز می‌گفتند «علی» با تقواست؛ عارف است، فقیه است و... اما در مسئله خلافت ما مصلحت نمی‌دانیم که او خلیفه باشد. ایشان هم از سوی آسمان نصب نشده است و اینکه شما از اطاعت تکذیب یا از

کس دیگری، تفاوتی ندارد» این سخن آن روز آن‌ها بود اما در زمان حکومت حضرت(ع) گفتند حتی جنگ با علی(ع) نیز جایز است؛ یعنی اول گفتند علی(ع) قداست (نصب آسمانی و الهی) ندارد، بعد در زمان حکومت حضرت(ع) گفتند اگر کسی با رای مردم هم به جانشینی پیامبر(ص) رسید ولی توقعات و خواسته‌های ما را اجابت نکرد ما از نافرمانی می‌کنیم؛ یعنی نافرمانی از حضرت امیر(ع) را تئوریزه کردند.

سلیمانی تأکید کرد: بعدها حتی جنگ با امیرالمؤمنین علی(ع) را نیز تئوریزه کردند (جنگ جمل) و وقتی به اواخر حکومت امیرالمؤمنین(ع) رسید، علی(ع) را کافر هم دانستند (معاد الله) گفتند چون حکمیت را پذیرفته، مرتکب گناه کبیره شده و کافر گشته است. این محقق و مؤلف تاریخ اسلام تصریح کرد: بنابراین، سه مرحله در جامعه اسلامی پیش آمد؛ نخست گفتند «مقدس نیست» بعد گفتند «چون نفع ما را تأمین نمی‌کند، جنگ با او حرام نیست» و بعد کار به جای رسید که گفتند

وی خاطرنشان کرد: «درک نکردن این واقعیت که رسول خدا(ص) به عنوان بنیان‌گذار اسلام یک پیام و آرمان داشت» که جامعه باید این آرمان را درک می‌کرد و مسئله دیگر «فدالت قایل نشدن برای ولایت» و همچنین «اعلان مشروعیت جنگ با ولایت» و در پایان هم «تکفیر ولایت» باعث شد که اهل بیت(ع) از صحنه سیاست و بعد از آن از حضور اجتماعی کنار زده شوند و امروز در جامعه حاضر نباشند.

حاشیه‌سازی نمی‌تواند

مطالبه‌گری حوزه انقلابی را خاموش کند

آیت‌الله عباس کعبی، عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری:

حوزه انقلابی حوزای است که صحنه درگیری با دشمن را بشناسد و بپاند دشمنان چه می‌کنند و بر این اساس در صحنه عملیات رسانتشان را ایفا کنند. البته ایستگاهی برابر دشمن و تبلیغ دین راستین و اسلام ناب هزینه دارد.

در فیضیه جلسه با شکوهی از طلاب برگزار شد، اما متأسفانه یک پلاکارد بی‌بط حمل می‌شود که اگر چه در چند دقیقه پلاکارد حذف شد آن پلاکارد چند دقیقه در فیضیه بود و عکس آن را گرفتند و سناریوسازی کردند؛ عکسی را فتوشاپ کردند تا مراجع و بزرگان حوزه علیه سپاه نیز موضع بگیرند. حوزه پاسخگوی مسائل دین مردم در عرصه‌های گوناگون نیز هست و با این حاشیه‌سازی‌ها از صحنه بیرون نخواهد رفت؛ امروز رابطه صمیمی و مرجعیت و ولایت دشمنان را عصبانی کرده و دشمنان می‌خواهد در حوزه‌های اصل شیعی کسی نباشد که فریاد کنند مطالبات بحق مردم باشد این رسالت حوزویان است که با شناخت دشمن با او مقابله و در برابر او ایستادگی کنند. **(معارف)**

می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و با وصیتنامه از مرگی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی طرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد. ۱۳۹۷/۰۶/۰۳ حسن رضائی منفرد قاضی شورا شعبه ۴ شورای حل اختلاف شهرستان تایباد

می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و با وصیتنامه از مرگی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی طرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد. ۱۳۹۷/۰۵/۲۲ حسن رضائی منفرد قاضی شورا شعبه ۴ شورای حل اختلاف شهرستان تایباد

به موجب پرونده اجرائی کلاسه شماره ۵۱/۹۶۶۸۵۸ صادره از حوزه شماره ۲۵۵ شورای حل اختلاف مشهد محکوم علیه آقای/خانم علیرضا قصار سرایی جمعاً به پرداخت مبلغ ۲۲۲/۱۵۸/۰۴۸ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تأخیر تأدیه در حق محکوم له آقای/خانم احمد آگاهی نسب محکوم گردیده است و چون تاکنون نسبت به پرداخت دیونش هیچگونه اقدامی ننموده حسب تقاضای طلبکار اموال مشروحه ذیل در قبال محکوم به توقیف و توسط کارشناس دادگستری ارزیابی و مقرر گردید در تاریخ ۹۷/۶/۱۷ از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در محل اجرای احکام مدنی شورا‌های حل اختلاف مشهد واقع در اجرای احکام مدنی شورا میدان میرزا کوچک خان از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت پایه شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می‌توانند ظرف پنج روز قبل از برگزاری مزایده مراجعه تا ترتیب بازدید آنان از اموال داده شود ضمناً مزایده عبارت است از: ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم مشاع که معادل با ۰۴۰۲ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۲۱۲۶۴ فقره ۲ از ۲۲۲ اصلی واقع در اراضی الندشت که عرصه آن موقوفه استان قدس رضوی که ملک به آدرس بلوار جمهوری اسلامی، بزرگمهر جنوبی ۱۴ پلاک ۸۸ که طبق نظر کارشناسی مقدار فوق به مبلغ ۲۲۴/۹۹۱/۱۰۱ ریال ارزیابی گردیده است. ۱- ۹۷۰۸۱۲۹ مالک ۲۰۷۹ مزایده مقدار ۶/۷۰۸۲

هنر و هنر

ادب و هنر

شنبه ۳ شهریور ۱۳۹۷

۱۴ ۱۳۱ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ ۲۵ آگوست ۲۰۱۸ سال سی و یکم|شماره ۸۷۶۵|

یادداشت

نگاهی به مجموعه داستان «کاپو» اثر مجتبی فدایی

لذت داستان خوانی با طعم زیارت

پرستو علی‌عسگرنجاد:

شترمرغ! احتمالاً اگر در قالب «چهار عمودی» از شما بپرسند «پرنده‌ای که پرواز نمی‌کند؟ ۶ حرف است»، تنها پاسخی که به ذهنتان خطور خواهد کرد، همین کلمه خواهد بود. «شترمرغ».
اخطار. ممکن است این کلمهٔ ۶ حرفی، جدول را بر کند، اما تمام پاسخ‌های دیگر را به هم بریزد؛ چون شترمرغ تنها پرندهٔ ۶ حرفی نیست که پرواز نمی‌کند. اجازه بدهید شما را با موجود دیگری آشنا کنم: «کاپو».
«کاپو»، یک گونه طوطی نیوزیلندی است با هیکلی نخراشیده و نوکی عمیق و غریب که به تنها چیزی که شباهت ندارد، طوطی است! این پرنده بیشتر روی زمین زندگی می‌کند و هرگز دیده نشده که پرواز کند. حال اگر معمای ۶ حرفی جدول حل شده و شما، نام «کاپو» را پشت یک نیستان آبی ۹۵ متلق به شهرستان ادب می‌بینید، باید بگویم به احتمال قریب به یقین، کتاب «مجتبی فدایی» را دست گرفته‌اید!
«چوجهای ارمنی در ۱۹۱۵»، «چاقوی صبحانه»، «دو تا بودیم، توی زنبیل قرمز»، «چند سانتیمتر فضای خالی امن»، «کاپو»، «جلیل اسکافی»، «آدم‌ها آدم‌ها را دوست دارند»، «بولدلاک لنگ» و «به اندازهٔ یک گردوی مظلوم».

این‌ها ۹داستانی هستند که اولین مجموعه‌داستان این نویسندهٔ جوان مشهودی را شکل می‌دهند. گفتیم «مشهد» و باید همین‌جا اشاره کنیم جغرافیای داستان در نزدیک به تمامی داستان‌ها، همین شهر مبارک است. این یعنی ردپای حضور روشن حرم امام رضا(ع)، خادمین و زائرین حضرتش را در بیشتر داستان‌ها احساس می‌کنیم. پس بدانید که احتمالاً پس از تمام کردن کتاب، با خطر دلتنگی برای زیارت امام هشتم(ع) روبه‌رو خواهید شد و چه سعادت‌ی بالاتر از این برای یک نویسنده که دل مخاطبش را تا حرم ببرد؟

زبان. این اولین مؤلفه و رکن داستانی است که در «کاپو»، توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. شاید با کمی اغماض بتوانیم این زبان را در بازار کلمات تکراری و پیچیدگی‌های بی‌مفهوم داستان‌های کوتاه این عصر، نوعی ناآوری خلاقانه از مجتبی فدایی بدانیم که خود به تنهایی بیش از نیمی از بار فضاسازی هر داستان را بر دوش می‌کشد.

به این نمونه از داستان اول توجه کنید: «تصور کردن چیز خوبی است، مخصوصاً برای آدم‌هایی مثل من که هرازگاهی تصمیم می‌گیرند از خودشان قصبه بسازند. ولی آدم‌هایی که تصویرشان خوب است نباید زنی بگیرند که قوهٔ تصورش خوب باشد. آن‌وقت هردوشان شروع می‌کنند به فکر و خیال ساختن و از آن‌جا که توی این دوره زمانه همهٔ فکر و خیال‌ها برعکس از آب درمی‌آید، زندگی‌شان می‌شود یک چیز برعکس نخراشیده… (ص ۸)». یا این یکی از داستان «کاپو»: «این اتفاق وقتی سرسام‌آور می‌شود که یک‌نفر روی یک فکر قفل باشند و همهٔ فکرهای این‌طوری‌اش- هر تعداد مرحله که باشد- آخرش به یک مقصد واحد برسد. مثلاً تو از سینما بگویی، او گوش بدهد و بعد از چند ثانیه از فواید غسل بگویی. تو از فوتبال بگویی و او بعد از چند ثانیه از فواید غسل بگویی. تو از بی‌پولی بگویی و او از غسل بگویی.

تو قاطی کنی و از… غسل بگویی و او از غسل بگویی (ص ۴۰)». همین‌طور که می‌بینید، زبان در این اثر، شدت صیقل‌خورده و روان است؛ انگار خواننده چشم‌هایش را می‌بندد، زیر آفتاب پنجرهٔ اتاقش جاجوش می‌کند و می‌گذارد نویسنده، کتاب را با لحن و صدای خودش، برایش بخواند. انتخاب راوی اول شخص در هفت داستان از ایین مجموعه، کاملاً به این امر دامن زده و حس صمیمیت و همدان‌پنداری مخاطب را با نویسنده تقویت کرده است. این زبان که گهگاه از استفاده از کلمات نامأنوس و حتی ناخوشایند آبا ندارد، سخت صادقانه است و به خواننده این حس را القا می‌کند که نویسنده به آنچه از آن حرف می‌زند، اشراف دارد و دست‌کم خود تجربه‌اش کرده (از قائل روانی داستان «چاقوی صبحانه» البته باید فاکتور بگیریم). او حتی وقتی از مشهد حرف می‌زند، اصراری در پوشاندن کم‌وکاستی‌های آن ندارد و از خیر نقل ماجرای کیف‌قاپی یا لات‌بازی‌های یکی از زائران امام رضا(ع) که البته در طول داستان دچار تحول می‌شود، نمی‌گذرد. همین نکته است که کتاب را به اثری خوش‌خوان و شیرین بدل می‌کند.

اوج هنر نویسنده را به‌نظر من باید در داستان «کاپو» دید؛ ماجرای سفر دوساعتهٔ جوانی تازه‌بالغ در اتوبوسی به سوی فسا با دو روایت موازی شامل گریزهایی به گفت‌وگو با پیرمرد لیف‌کیشه‌ای محل و شرح اتفاقات جاری در اتوبوس. آن‌جا که راوی به درخواست سرنشینان اتوبوس و برای جلب توجه دختر جوان ظاهر! دانشجویی که مقبتر نشسته، می‌زند زیر آواز. این‌جاست که ارتباط داستان با نام آن آشکار می‌شود. «کاپو» که حالا دیگر معروف حضور است، این پرنده برای ماده چاله‌ای می‌کند و از قعر آن آواز می‌خواند تا در عالم پرنده‌گی به صدایش آکو بدهد و بیشتر به دل ماده بنشیند! همدان‌پنداری راوی بس! «کاپو» و یادآوری روایت‌های پیرمرد لیف‌کیشه‌ای که مرز واقعیت و رؤیا را درهم شکسته است، از نقاط چشمگیر داستان است که نویسنده بخوبی از پس پردازش آن برآمده.
فرم داستان در داستان «کاپو» بیش از دیگر آثار رعایت شده است. در مقایسه اما داستانی همچون «دو تا بودیم، توی زنبیل قرمز» که هم به‌سبب بهره‌گیری از تشخیص کیوتر راوی و هم از منظر موضوع، بیشتر به داستان نوجوان نزدیک شده و نقاط مبهمی هم که در پردازش آن وجود دارد، مانع ارتباط مؤثر خواننده با اثر می‌شود. داستان «جلیل اسکافی» با تم غلیظ رئال خود نیز از نقاط برجستهٔ این مجموعه است؛ ماجرای چند لحظه‌ای از یک کلاس درس و جلیل اسکافی، پسر یتیمی که اجازهٔ دیدن ندارد و به جایش دعوا می‌کند. پایان‌بندی این داستان بی‌شک پس از «کاپو»، بالاترین امتیاز حسن پایان‌بندی را در این کتاب می‌گیرد.

سخن از پایان‌بندی شد. در پایان باید بگویم اگر از جدول حل‌کردن خسته شده‌اید و به دنبال کتابی می‌گردید که هم شما را بخنداند و هم به فکر وادارد، خواندن «کاپو» شدت پیشنهاد می‌شود!

اقدس آنلاین / نازلی مروت | «سفر به قبله»

یکی از سفرنامه‌های حج است که بعد از ۲۶ سال از تألیف آن بارها تجدید چاپ شده و هنوز هم خوانندی است. سبک نوشتاری بهبودی در سفرنامه‌اش که تلفیقی از تحلیل‌های سیاسی حج و نگرش‌های معنوی اوست این کتاب را به اثری خواندنی تبدیل کرده است. هدایت‌الله بهبودی نویسنده‌ای که با آثاری چون «شرح اسم»، «الف لام خمینی» و «سفر به قبله» بیشتر شناخته می‌شود درباره سفرنامه حج خود به سوالات قدس آنلاین پاسخ گفت:

♦«سفر به قبله» را در ردیف سفرنامه‌ها قرار داده‌امد اما محتوای آن مجموعه یادداشت‌های تحلیلی نویسنده از سفر حج است. چه نگاهی به فریضه حج در این کتاب داشته‌اید؟

من «سفر به قبله» را سفرنامه می‌دانم زیرا به طور طبیعی هرکسی که ماجراهای اطراف خود را می‌بیند، نوعی واکنش نشان می‌دهد، کسی که کاغذی را مقابل خود قرار می‌دهد و شروع به سیاه کردن آن می‌کند و به عبارتی نویسنده‌گی می‌کند یا نوشتن به جهان پیرامون خود واکنش نشان می‌دهد. هر کسی که به سفر حج می‌رود و با نادردها و پدیده‌های سفر حج مواجه می‌شود، طبعاً نسبت به آن رویدادها واکنش نشان می‌دهد. وقتی من نویسنده در این فضا قرار گرفتم، بزرگی‌های سفر مرا به واکنش واداشت. «سفر به قبله»، نتیجه همین نگاه و واکنش به سفر حج و رویدادهای آن است که نوعی بی‌ارادگی غیر مضموم، عشق، حیرت و تعجب در آن وجود دارد، زمانی که این فاکتورها کنار هم قرار گرفت سفرنامه‌ای خلق شد که شما از آن به یادداشت‌های تحلیلی یاد می‌کنید. گرچه من تمنایی برای تحلیل آنچه دیده بودم نداشتم، اما برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی به کندوکاو و تحلیل نیاز دارد. اما درباره سایر مراسم حج تحلیلی نداشتم و آنچه را بر ذهن و دلم گذشته بود، مکتوب کردم.

♦ برخی سفرنامه‌ها نگاهی کاملاً روایت گونه از رویدادهای سفر حج است. شما زمانی که تصمیم به نگارش «سفر به قبله» گرفتید، سبک خاصی برای نگارش در نظر داشتید یا با توجه به شرایط و فضای موجود شروع به نوشتن کردید؟

یادبود

صادق صندوقی روز گذشته در قطعه هنرمندان بهشت زهرا آرام گرفت

وداع با تصویرگر ماندگار خاطرات کودکی



ادب و هنر: مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد صادق صندوقی، تصویرگر کتاب‌های درسی و داستانی، دپروز، ۲ شهریور از ساعت ۹:۳۰ از مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار شد و در انتها پیکر این هنرمند نقاش در قطعه هنرمندان بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

این هنرمند پیشکسوت هنرهای تجسمی، در دهه‌های ۵۰ تا ۷۰ خورشیدی، با کشیدن صدها طرح جلد، تصویر و نقاشی برای کتاب‌های ویژه کودکان و نوجوانان، چه‌راهی بر کار و شناخته شده از خود به یادگار گذاشت.

همچنین در پی درگذشت این هنرمند فقید عرصه هنرهای تجسمی کشور، گروه هنرهای تجسمی بنیاد فرهنگی روایت فتح و ستاد برگزاری جشنواره هنر مقاومت در پیام تسلیتی آورده است: ضایعه درگذشت استاد صادق صندوقی که هنر تصویرسازی وی در کتب درسی و کتاب‌های متعدد داستانی، در خاطره نسل‌های متفاوت ثبت و ضبط شده است، جامعه هنری ایران، خصوصاً هنرهای تجسمی را در سوگ و اندوه فرو برد.

زنده‌یاد صندوقی پس از تصویرگری قصه‌های قرآنی به عنوان تصویرگری در حوزه کتاب نیز شناخته شد؛ که از این میان به تصویر که داستان «اصحاب قبل» را در کتاب‌های درسی مدرسه روایت می‌کرد، می‌توان اشاره کرد. همچنین اغلب طرح‌های روی جلد کتاب‌های ترجمه شده ژول ورن، نویسنده فرانسوی که پس از انقلاب چاپ شدند، مزین به نقاشی‌های صندوقی است.

بسیاری از آثار صادق صندوقی با وجود سادگی‌شان به تصویرهایی ماندگار تبدیل شدند. شاید یکی از دلایل آن نگاه ساده او به موضوعات و قصه‌ها بود. تصاویری که از رنگ و لعاب‌های امروزی برخوردار نبود، اما در سادگی تمام قصه‌های ماندگاری را روایت می‌کرد.

صادق صندوقی، متولد ۵ اردیبهشت ۱۳۲۵ در شهر همدان بود که شامگاه ۳۱ مرداد پس از یک هفته تحمل بیماری در بیمارستان فیروزگر تهران درگذشت.

محسن پرویز خطاب به نویسندگان آثار ادبی تاریخی:

مواظب تحریف نشدن شخصیت معصوم باشید

فارس: جلسه نقد و بررسی رمان «مأموریت در قصر» با حضور نویسندگان و منتقدانی چون محسن پرویز و مهدی فیروزجانی و سعید محمدی، نویسنده کتب، در نگارستان اشراق برگزار شد. سعید محمدی، طلبه جوانی است که با فکری نو، چندی است تبلیغ دین را با نویسندگانی در پیش گرفته است و «مأموریت در قصر» اولین کار او شمرده می‌شود که به ماجراجایی در مورد علی بن یقطین، وزیر شیعه دربار هارون می‌پردازد. در ابتدا جلسه نویسنده کتاب بخش کوتاهی از کتاب را برای حضار خواند؛ در ادامه محسن پرویز به بهانه این جلسه اصولی را برای تبدیل یک روایت تاریخی به داستان، ضرورت و فواید آن ذکر کرد و با مقایسه قرآن و تورات در نقل داستان ابراز داشت: در

هدایت‌الله بهبودی در گفت‌وگو با قدس آنلاین از دلایل ماندگاری «سفر به قبله» گفت

حج‌نامه‌ای از جنس عشق و حیرت



آنچه می‌خوانید

وقتی رهبری به کتابی توجه می‌کنند این اتفاق در جای خود اشکال نیست و حسن هم نیست و باید زمانی برسد که تابلوهایی را هنمایی که رهبر معظم انقلاب برای خواندن کتاب می‌کارند، نشان‌دهنده راه باشد نه اینکه بایستییم و این تابلوها را نگاه کنیم و رفتن را یاد بگیریم

من نمی‌توانم خودم را اثبات کنم، آنچه بهبودی نوشته را باید خواننده کتاب بپذیرد. من دست نقادان را نمی‌پوسم اما هیچ اشکالی بر نقد آن‌ها در سال ۶۶، به حج مشرف شدم. همه ایرانیانی که در آن سال به مراسم حج آمده بودند نگاهی سیاسی و کنجکاوانه به سفر زیارتی داشتند. من نیز با همین نگاه به اطرافم، تبلیغات، رفتارها و آدم‌ها نگاه می‌کردم. طبیعی است که نوع نگاه مرا تحت تأثیر قرار می‌داد و نوشته‌های من هم جنبه سیاسی پیدا کرد و موجب شد که از این مسائل هم بنویسم.

♦ برخی از منتقدین «سفر به قبله» معتقدند که این کتاب بعد معنوی را به مخاطب خود منتقل نمی‌کند اما شما کتاب را نتیجه ششوریدگی خود در حج دانسته‌اید. چه پاسخی به منتقدان خود دارید؟

اگر این کتاب مورد توجه رهبر معظم انقلاب واقع نمی‌شد و ایشان حاشیه‌ای بر آن نمی‌نوشتند، چه بسا چاپ‌های مکرر را به خود نمی‌دید، مورد توجه واقع نمی‌شد و در کنار برخی دیگر از سفرنامه‌های معمولی قرار می‌گرفت؛ بنابراین بخش عمده آنچه برای کتاب رخ داد همان یادداشت رهبری انقلاب است. فارغ از اینکه درست است یا خیر، خواننده‌های کتاب باید قضاوت کنند که این کتاب حال و هوای معنوی دارد یا نه، نشان دهنده شوریدگی نویسنده در مواجهه با مراسم حج هست یا نیست؟

♦ یادداشت رهبر معظم انقلاب بر «سفر به قبله»، چه تأثیری بر آینده کتاب نزد خواننده عام گذاشت؟

دیده شدن یک اثر چه نزد خواننده خاص و چه عام برای نویسنده مهم است. این خواننده خاص وقتی رهبر یک کشور باشد، توجه‌ها ضاعف می‌شود. نکته‌ای که بین کتابخوان‌هایی که نسبتی با انقلاب دارند، تبدیل به یک مسئله شده است، اینکه اگر رهبری به کتابی توجه کنند بیش از کتاب‌های دیگر توجه می‌کنند.

این اتفاق در جای خود اشکال نیست و حسن هم نیست. آلمان من این است که هر کسی



من به این کتاب انتقاد دارم. از این زاویه که من کتاب روز ششمار تاریخ معاصر ایران را نوشته‌ام، زمان و توان بسیاری از من گرفته و کتاب بسیار مهمی است، چرا مورد توجه واقع نشده اما این جزوه ۶۰ صفحه‌ای چنان مورد توجه است که الان من و شما مقابل هم نشست‌ایم و درباره آن حرف می‌زنیم. من از این بابت ناراحت‌م اما این دست من نیست. این تقدیری است که بر پیشانی کتاب نوشته شده است. از این بابت دلم نمی‌خواهد به این کتاب نمره بدهم! به هر حال نمره بالای ۱۵ می‌دهم.

♦ خیلی متوسط است!

به نظر من خیلی خوب است. شما ۱۵ قدیم در نظر بگیرید!

♦ در سال‌های پیش رو، شاید نویسندگان دیگری مانند شما به حج بروند و تصمیمی بر نگارش سفرنامه داشته باشند. چه توصیه‌ای به نویسندگان سفرنامه حج دارید؟

نویسندگان سنت سفرنامه نویسی را حفظ کنند زیرا تأثیر مثبت دارد. هرچه تعداد سفرنامه‌ها بیشتر باشد، حد انتخاب مردم برای کتابخوانی بیشتر می‌شود. فارغ از اینکه به چه سبکی و شبیه چه کسی بنویسند، خود را از محدودیت‌ها رها کنند و خودشان باشند و هرچه را حج بر آیین دل آن‌ها می‌تاید، منعکس کنند. دستکاری نکنند تا متقابلاً بر صفحه دل مخاطب نیز بنشینند.

کوتاه و خواندنی

شهرستان ادب دوره آموزشی «درباره شعر» برگزار می کند

شهرستان ادب: ثبت‌نام دوره‌های آموزشی آزاد «درباره شعر» در دفتر شعر مؤسسه فرهنگی هنری «شهرستان ادب» آغاز شد. علاقه‌مندان تا فردا، چهارم شهریور ۱۳۹۷ برای ثبت‌نام در این دوره‌ها، که با حضور مدرسان شعر و شاعران برتر کشور برگزار می‌شود، فرصت دارند.

در این دوره‌های آموزشی سرفصل‌های شعر طنز با حضور ناصر فیض، شعر نیمایی با حضور مرتضی امیری اسفندقه، مولوی شناسی با حضور قربان ولینبی، غزل امروز با حضور سعید بیابانکی، خلاقیت ادبی با حضور علی محمد مودب، حافظ شناسی با حضور محمدمهدی سیار و… در نظر گرفته شده است.



نقد «تحریر» بر قعی در نشست شاعرانه‌های علوی

مهر: نشست شاعرانه‌های علوی همزمان با نزدیک شدن به ایام عید غدیر و برای استقبال از این مناسبت امروز شنبه ۳ شهریور با حضور شاعران آیینی کشور در خانه مهر رضا برگزار می‌شوددر این برنامه، کتاب «تحریر» از سید حمیدرضا برقعی با سخنرانی مرتضی امیر اسفندقه و محمد جواد شرافت مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. سپس شاعران آیینی حاضر در برنامه نیز در مدح و منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) به شعر خوانی خواهند پرداخت.

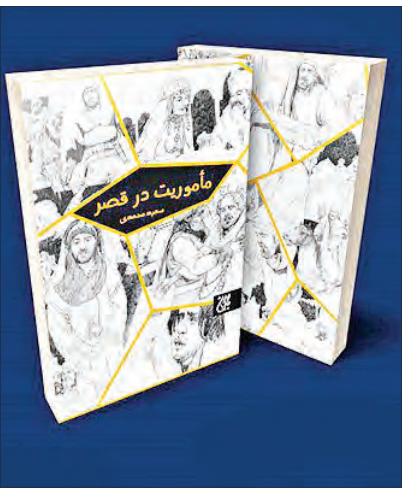
محمود حبیبی کسبی، میلاد حسنی، پیمان طالبی و محمد میرزایی از جمله شاعرانی هستند که در این مراسم به شعر خوانی خواهند کرد.

نمایش رضوی «چند مسافر» در مشهد روی صحنه می‌رود

تسنیم: نمایش رضوی «چند مسافر» به نویسندگی و کارگردانی محمد رحمانیان از سوم تا ششم شهریور سال جاری در سالن هلال احمر مشهد به روی صحنه خواهد رفتاین نمایش که از زبان چند زائر به کرامات امام رضا(ع) می‌پردازد، پیش از این در تهران و شیراز اکران شده و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته است.

علی ممتاز، منتاب نصیریور، افشین هاشمی، سانیا سالاری، سینا رازانی، سعید توکلی و الاله زارع طلب در این نمایش بازی می‌کنند. همچنین مجری طرح این اثر سپهیل فرامرز است.

دقت باید چند برابر شود که مبدا نسبتی غیرواقع به معصوم بدهیم. در انتخاب زاویه دید باید دقت بیشتری صورت پذیرد، مثلاً کسی که می‌خواهد زندگی امام را روایت کند نمی‌تواند من راوی را انتخاب کند. مطالعه و تحقیق کافی باید حول و حوش آن مسئله تاریخ صورت پذیرد.علاوه بر خود واقعه تاریخی، مکان، وقوع آن واقعه هم باید برای نویسنده به خوبی معلوم باشند.ام کتاب هم اسم خوب و جذابی است، همچنین به عنوان یک تلاش برای بیان یک واقعه تاریخی انتخاب و پرداخت نسبتاً خوبی دارد. از طرفی اینکه یکی از اطرافیان امام را به عنوان محور داستان قرار داده کار ارزشمندی است؛ چرا که از آن بحث نسبت دادن مسئله‌ای خلاف واقع به امام و… دور می‌شویم.در ادامه جلسه فیروزجانی ضمن تقدیر از کار سعید محمدی این نکته را مطرح کرد که هیچ کاری کامل نیست و به هر کاری نقد وارد است. مضاف بر اینکه این شجاعت یک نویسنده را می‌رساند که در زمانی که با کمبود چنین آثاری روبه‌رو هستیم یک نویسنده جوان در اولین کار به سراغ کاری تاریخی برود.



محمدحسین لطیفی در گفت‌وگو با قدس:

با «به وقت خماری» به سینمای خودم برگشتم

◆ چه شد که در آخرین کارتان سراغ ژانر طنز رفتید؟

فیلم به وقت خماری، بیان یک درد در مایه طنز بود. به وقت خماری مثل بقیه فیلم‌های طنز روی پرده که شیوه‌های خاص طنزاری را برای جذب تماشاچی بیشتر دارند، نیست. من درد و دغدغهای داشتم که خواستم آن را در قالب یک فضای نسبتاً مفرح بیان کنم.

◆ چرا استقبال از این فیلم آن طور که انتظار می‌رفت نبود؟

فکر می‌کنم چند سال است که جامعه را نمی‌شناسم. البته من باز همین فیلم را می‌ساختم، ولی نه در شرایط فعلی. هر فیلمسازی سلیقه‌ای در ساخت فیلم دارد و ممکن است برخی از دوستان علاقه مند به ساخت فیلم‌هایی باشند که من دوست ندارم آن‌ها را بسازم. به نظرمد دلیل اینکه این فیلم در مقایسه با فیلم‌های کمدی دیگر، فروش کمتری داشت، این است که مردم اصلاً علاقه‌ای به فکر کردن در موقع تماشای فیلم ندارند، دوست دارند که فقط بنشینند، شوخی‌های کلامی را بشنوند و بخندند. نمی‌گویم که جامعه بد است، ولی حال امروز جامعه ایران خوب نیست. برخی از فیلم‌های کمدی هم با آگاهی نسبت به این فضا، فقط می‌خواهند مخاطب را الکی بخندانند.

◆ تعریف شما از کمدی خوب و شریف چیست؟

وقتی هنوز درباره ماندگاری کمدی چارلی چاپلین صحبت می‌کنیم، چون دغدغه‌های مهمی دارد که فیلم‌های ماندگار می‌سازد و نه فیلم‌های یکبار مصرف. یک سری فیلم‌ها هستند که فقط لحظات کمدی خلق می‌کنند تا تماشاچی را بخندانند، مثل اینکه بچه‌ای شیرین کاری کند و اطرافیان هم غش غش به او بخندند، ولی اینکه فیلم نمی‌شود. فیلم، جان مایه و حرفی دارد که می‌تواند در مایه طنز گفته شود یا حتی ژانر وحشت. مهم است که فیلمساز، هدفمند فیلم بسازد. دلیل ترساندن یا خندان مخاطب در ژانر وحشت یا کمدی چیست؟ وقتی فیلمی با هدف و مفهوم ساخته می‌شود، یعنی فیلمساز با اعتقاد و باوری آن فیلم را ساخته است.

◆ دغدغه شما در فیلم به وقت خماری چه بود؟

این فیلم، نشان دهنده ایران است، در واقع این فیلم فقط به روابط خانوادگی محدود نمی‌شود، بلکه داستان یک کشور است؛ فیلم به وقت خماری، ایران کوچکی است در یک خانه، ما در شرایطی قرار گرفتیم که همه از هم می‌ترسیم و نقش‌های مختلفی هم در این فیلم دیده شده؛ از روحانسی گرفته تا پلیس. ضمن اینکه بیرون از این خانه، اتفاق‌های زیادی می‌افتد. پیش از این، چند فیلم مشابه دیگر هم داشتم؛ مثلاً در فیلم اجاره‌نشین‌ها یا فیلم میهمان مامان، افشار مختلف جامعه در یک خانه قرار گرفته بودند. من هم با درد و دغدغهای که داشتم این فیلم را ساختم.

◆ گاهی فیلم‌های کمسودی برای خندانن تماشاچی به ورطه ابتذال می‌افتند، شما چه خط قرمز و احتیاطی در ساخت به وقت خماری داشتید که شوخی‌های این فیلم چنین نشود؟

من اعتقاد دارم که سینما یک فضای خانوادگی



اَسیمَا و سینما/ زهره کهندل | فیلم سینمایی «به وقت خماری» درباره دختری است که در یک خانواده نسبتاً پر جمعیت و در یک خانه بزرگ با پدر و مادر، خاله‌ها، دایی و عمویش زندگی می‌کند و قرار است برای او خواستگار بیاید و این موضوع آغاز کننده داستان فیلم است و فیلم از این دریچه روایت می‌شود و جلو می‌رود. این فیلم به تهیه‌کنندگی «جمال گلی» آخرین ساخته «محمدحسین لطیفی» است. کارگردانی که فیلم‌ها و سریال‌هایش همواره از استانداردهای لازم برخوردار بوده و توانسته است مخاطبان بسیاری



در این فیلم اتفاق افتاده باشد. از ستاره‌های قدیمی سینما همچون ابوالفضل پورعرب گرفته تا چهره‌های سینمای هنری همچون هنگامه قاضیانی که کمتر کمدی بازی کرده‌اند یا هنگامه حمیدزاده که از نسل بازیگران جدید هستند. می‌خواستم که این طیف از بازیگران را در فیلم داشته باشم، ولی کار دشواری هم بود. ۱۴ بازیگر در ۹۲ دقیقه و در یک لوکیشن بازی می‌کنند که همه می‌خواهند از هم سبقت بگیرند، کنترل این شرایط بسیار دشوار است. همه آن‌ها دوست دارند که بیشتر دیده شوند که رعایت این توازن، کار را هم دراز مدت دیده می‌شود.

◆ **دلیل اینکه فیلم این قدر پربازیرگر بود، چیست؟**

می‌خواستم به بهانه این فیلم، سه نسل جدی سینما را جایگاه‌های مختلف در این فیلم داشته باشم. دوست داشتم آنچه را درباره ایران می‌گویم

را به سمت خود جذب کند. ویژگی قابل توجه فیلم‌های این کارگردان سینما و تلویزیون، مینیمال بودن داستان و به کار بردن فرم‌های خلاقانه است: به نحوی که این ویژگی موجب می‌شود تا مخاطبان بتوانند با قصه همراه شوند و تا پایان آن را دنبال کنند. لطیفی پس از ساخت چندین سریال تلویزیونی و بعد از گذشت سه سال، بار دیگر به سینما بازگشته و فیلم سینمایی «به وقت خماری» را کارگردانی کرده است. با او درباره آخرین اثرش که این روزها بر پرده سینماهاست، گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید:

من از بازیگران می‌خواستم که این مراقبه را در بازی هایشان داشته باشند، اما در نهایت آنچه به دست می‌آید ۵۰-۵۰ است. چیزی که ما به آن کلیشه می‌گوییم بخشی از شخصیت آن افراد است، مثلاً بخشی از هادی کاظمی، همین است که می‌بینید و نمی‌توان آن رفتار و گفتار خاص را از او گرفت.

◆ **با توجه به تعداد زیاد بازیگران، این نگرانی را داشتید که قصه دچار ناپیوستگی شود؟**

همیشه نگران این موضوع بودم، حتی تا آخرین روز ساخت فیلم اما همه تلاش را کردم که این اتفاق نیفتد. این تجربه از سریال «همسایه‌ها» تا حدودی با من همراه بود. مجموعه‌ای از همسایه‌ها که در یک آپارتمان زندگی می‌کردند، پیش از این تجربه ساخت چنین کاری را داشتیم.

◆ **برخی بر این باورند که اگر به وقت خماری در قالب سریال تلویزیونی ساخته می‌شد، شاید موفق‌تر می‌بود؟**

ببینید جمع کردن یک قصه به هم پیوسته در ۹۲ دقیقه ۱۴ بازیگر برای من تجربه جدید و مهمی بود. سریال همسایه‌ها ۲۰ سال پیش ساخته شد و تجربه جوانی من بود. به نظر به وقت خماری، قالب سینمایی داشت و نه سریال.

◆ **چقدر سعی کردید که بازی‌ها کلیشه‌ای نشود، مثلاً هومن برق نورد بازی «دودکش» را نداشته باشد یا شهره لهرستانی، هادی کاظمی و بازیگران طنزی که شکل بازی‌هایشان لو رفته است؟**

می‌دانید؟ من با ساخت این فیلم به سینمای خودم برگشتم. من در دو فیلم قبلی‌ام یعنی «پاریس تا پاریس» و «السب سفید پادشاه» از سینمای خودم دور شده بودم، این دو فیلم، سینمای من نبود، بلکه دغدغه هایم بود. به همین دلیل با ساخت «به وقت خماری» به سینمای خودم برگشتم، اما جامعه ۲۰ سال به جلو رفته و امروز حالش خیلی بد است. من هنوز همان آدم هستم، اما جامعه خیلی تغییر کرده است، حالا باید تصمیم بگیرم که به همان سبک و سباق خودم بروم یا کار دیگری کنم.

◆ **ویژگی‌های سینمای شما چیست؟**

سینمایی که بتواند با عالمه جامعه ارتباط راحتی برقرار کند و عین خودش با آن‌ها حرف بزند. از جنس خودش باشد، اما به لودگی نرود. این طور نباشد که با شوخی‌های مبتذل حرف بزند، بلکه با حفظ شرافت مردم، به زبان خودش سخن بگوید و بی‌واسطه باشد. ضمن اینکه خانواده در سینمای من، نقش مهمی دارد حتی فیلم جنگی هم که می‌سازم پای یک خانواده در میان است و قصه یک خواهر و برادر را روایت می‌کنم.

◆ **چرا خانواده این قدر در آثارتان اهمیت دارد؟**

مسئله خانواده، نه فقط برای من که برای همه ما باید مهم باشد. مشکل امروز ما ایرانی‌ها این است که خواستیم جامعه را درست کنیم، در حالی که هنوز خانواده‌هایمان را درست نکردیم. بیشتر مدیران بزرگ ما نتوانستند خانواده‌خودشان را به درستی مدیریت کنند، مدبری که نمی‌تواند خانواده خودش را مدیریت کند، چطور می‌تواند جامعه را اصلاح کند؟ روابط در خانواده‌ها باید بهبود یابد چون مجموع این خانواده‌ها، جامعه را تشکیل می‌دهند. آن وقت می‌توان به سمت نشاط اجتماعی و پیشرفت رفت. متأسفانه سینمای امروزی عاری از توجه به خانواده هاست، در حالی که باید به آن توجه جدی شود.

گزارش

مسعود جعفری جوزانی به بهانه اکران فیلم جدیدش از دغدغه‌های خود گفت

ماجرای خون‌های آلوده فرانسوی در «پشت دیوار سکوت»



نویاد روی اتفاق‌های مهمی که در جامعه می‌افتد سروش بگذاریم چون مردم حق دارند از واقعیت‌ها خبر داشته باشند وقتی اتفاقات بدی می‌افتد و آمارها هم آن‌ها را نشان می‌دهند سعی نکنیم آن‌ها را از مردم پنهان کنیم، به اصطلاح مثل آشغال‌های روی زمین آن‌ها را زیر فرش پنهان نکنیم. دغدغه من در این زمینه هم نقش زیادی داشت، خون‌هایی که از فرانسه وارد و به مردم تزریق شدند مسئله مهمی بود که مشکلات زیادی را در پی داشت و هنوز هم دارد.

چرا باید با این اتفاق به سلامت مردم جامعه لطمه وارد شود و کسی پاسخگوی آن نباشد. این مسئله هم به طور مستقیم با سلامت مردم جامعه در ارتباط است، بحث داروهای تاریخ گذشته هم همین‌طور، این مسئله هم جرم است و جامعه را به فساد می‌کشاند. اما جای سؤال و تعجب است که چرا کسانی که این جرم‌ها را مرتکب می‌شوند راست راست برای خودشان راه می‌روند و هیچ عاقبتی برایشان در نظر گرفته نمی‌شود. این بیماری جهان را گرفته و در نهایت وارد ایران هم می‌شود، حالا یا دیرتر

نویاد روی اتفاق‌های مهم سروش بگذاریم

من معتقدم باید واقعیت‌ها را بر مردم در میان گذاشت،



سینما و سینما

شنبه ۳ شهریور ۱۳۹۷

۱۳۱ | ذی‌الحجه ۱۴۳۹ | ۲۵ آگوست ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۷۶۵ |



جدیدترین آمار فروش سینمای ایران

«تنگه ابوقریب» در دومین هفته اکران میلیاردی شد

سینما و سینما: گیشه سینماهای ایران در هفته‌ای که گذشت، رونق نسبتاً خوبی داشت، روتنی که مدیون فیلم‌هایی همچون «هزارپا»، «دارکوب» و «تنگه ابوقریب» بود و این فیلم‌ها توانستند فروش خوبی را از آن خود کنند.

فیلم سینمایی «هزارپا» تازه‌ترین ساخته ابوالحسن داودی با پشت سرگذاشتن تمامی فیلم‌های پرفروش سینمای ایران، در تازه‌ترین آمار فروش از مرز ۲۰ میلیارد تومان فروش عبور کرد. تنگه ابوقریب در دومین هفته اکران با فروش خوب خود به رقم یک میلیارد و ۷۰۰ هزار تومان رسید و وارد گروه میلیاردی‌ها شد. فیلم دارکوب که پس از هزارپا در مکان دوم جدول اکران قرار دارد، این هفته به فروش ۲ میلیاردی رسید. براساس جدیدترین آمار فروش سینمای ایران دو فیلم «دم سرخ‌ها» و «کاتبوشا» با فروش حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در مکان‌های سوم و چهارم جدول فروش قرار دارند.

کاراکترهای پرفروش‌ترین انیمیشن سینمای ایران در صدر فروش نمایشگاه نوشت‌افزار

محبوبیت محصولات جانبی «فیلشاه»

فارس: هفته گذشته نمایشگاه نوشت افزار ایرانی برگزار شد. مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی –اسلامی با اشاره به استقبال مردم از شخصیت‌های ایرانی نوشت افزار ایرانی– اسلامی در این نمایشگاه، گفت: در حال حاضر کمتر از ۳۰ درصد تولیدات ایرانی، بازار نوشت افزار کشور را تشکیل می‌دهد و تلاش می‌شود که این میزان افزایش یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر کاراکتر تولیدات نوشت افزار داخلی کشور، خارجی است و کمتر از ۱۰ درصد کاراکترهای تولیدات داخلی نوشت افزار، داخلی است، البته این رقم در چند سال پیش عدد صفر بوده است، وی با بیان اینکه اقدام‌های ما از سال ۹۱ برای فروش نوشت‌افزار ایرانی – اسلامی و فرهنگ‌سازی کاراکترهای داخلی آغاز شد، گفت: در آن زمان، با شکست طرح دارا و سارا، ذخینت نسبت به کاراکتر داخلی منفی بود، اما اکنون فضا تغییر کرده است. مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی –اسلامی با بیان اینکه مالکیت معنوی کاراکتر فیلشاه را گرفتیم و در اختیار تولیدکنندگان نوشت‌افزار قرار دادیم، افزود: در حال حاضر کاراکترهای فیلشاه، حسنا کوچولو، شاهزاده روم، اتل مثل به جنگل، و درین دیرین قسمت دفتر از جمله کاراکترهای نوشت افزار این نمایشگاه است.

وی ادامه داد: برآوردها تاکنون نشان می‌دهد در حال حاضر کاراکتر فیلشاه مورد استقبال تعداد زیادی از مخاطبان قرار گرفته و در صدر فروش است.

درآمد ۷۴۸/۵ میلیون دلاری مردان بازیگر در برابر درآمد ۱۸۶ میلیون دلاری زنان ادامه اعتراض‌ها به تبعیض در هالیوود

سینما و سینما: فورسی پردرآمدترین مردان ۲۰۱۸ را معرفی کرد. در حالی فهرست پردرآمدترین بازیگران را به رسم هر سال منتشر کرد که دواین جانسون با وجود اینکه بیشترین درآمد را از بازیگری کسب کرد، در صدر این فهرست جای نگرفته است.جرج کلونی در راس پردرآمدترین بازیگران جهان در سال ۲۰۱۸ ایستاده است.

وی با درآمد ۲۳۹ میلیون دلاری در حالی این مبلغ را کسب کرده که در هیچ فیلم سینمایی بازی نکرده و در واقع این پول را از فروش کارخانه نوشیدنی خود و در حالی که یکی از شرکای این کارخانه بود، کسب کرد. به این ترتیب در این فهرست که درآمد بازیگران از یکم ژوئن ۲۰۱۷ تا یکم ژوئن ۲۰۱۸ را دربرمی‌گیرد، دواین جانسون در مکان دوم جای می‌گیرد. درحالی‌که جرج کلونی بدون بازی کردن در فیلمی به این درآمد رسیده است، جانسون هم عمده درآمد امسالش را مدیون فعالیت شدیدش در شبکه‌های اجتماعی و نقش آفرینی در فیلم‌هایی چون «اسفن خراش» و «جومانجی: به جنگل خوش آمدید» است. حضور ستارگان مرد بالیوود هم در این فهرست قابل توجه است. اکشای کومار بازیگر بالیوودی با درآمد ۴۰/۵ میلیون دلار، سلمان خان با درآمد ۳۸/۵ میلیون دلاری از دیگر پر درآمدهای این فهرست هستند. نکته قابل توجه این فهرست تفاوت درآمد بازیگران زن و مرد است که با وجود تلاش‌های اجتماعی زنان برای تغییر دستمزدها همچنان ادامه دارد. ۱۰ مرد پردرآمد دنیای تصویر در مجموع ۷۴۸/۵میلیون دلار درآمد دارند و این تفاوت فاحشی با مجموع درآمد ۱۰ بازیگر پردرآمد زن دارد که فهرستشان هفته پیش منتشر شده بود و مجموع درآمدهان ۱۸۶ میلیون دلار شده بود.

آتیلا پسیانی:

حاتمی کیا توانایی ساخت انواع فیلم‌ها را دارد

سینما و سینما: آتیلا پسیانی که این روزها بیشتر از سینما و تلویزیون، در صحنه‌های تئاتر، بازیگری و کارگردانی می‌کند، در افتتاحیه برنامه «من و شما» در پاسخ به این سؤال که با توجه به تفاوت سینمای امروز حاتمی‌کیا،

آیا هنوز آثار ایشان را می‌پسندید، گفت: حاتمی‌کیا یک خط ذهنی در فیلمسازی‌اش دارد که من دوست دارم. یک طور هویت پیدا کردن آدم‌ها و به واسطه عملی که انجام می‌دهند، چه در موقعیت جغرافیایی و تاریخی و چه در برخورد با آدم‌ها دیگر. البته در همه فیلم‌های سینمایی می‌تواند وجود داشته باشد، اما در حاتمی‌کیا یک تأکید دیگری دارد. بسیاری می‌گویند اگر آژانس شیشه‌ای امروز هم ساخته شود باز حاج کاظم و سلحشور از پرویز پرستویی و رضا کیانیان بازی خواهند کرد، باید بگویم اولاً من آژانس شیشه‌ای را در ۹۷ نمی‌سازم و انتخاب بازیگری هم نمی‌کنم. برای اینکه یک بار ساخته شده و مردم هم دوستش داشتند و با آن ارتباط خوبی برقرار کردند. البته «ژانس شیشه‌ای» را بیشتر از «مهاجر» و «موج مرده» دوست ندارم. همیشه اعتقاد داشته و دارم که حاتمی‌کیا جزو کارگردانی است که توانایی ساخت انواع فیلم‌ها را دارد.



من و برادرم

برادرم از رو نمی‌رود!



ایستگاه/ امید فطرافتی

قدیم‌تره پدربزرگ‌هایمان حکایتی را برپایمان تعریف می‌کردند: از چند لاکپشت که می‌روند کوهنوردی و بعد از چندسال می‌رسند به نیوک قله، اما وقتی می‌خواهند پرچمشان را نصب کنند، پادشاهان می‌آید پرچم را جا گذاشته‌اند. برادر من هم از کودکی شبیه همین لاکپشت‌ها بود و همیشه در یک زمان و مکان مهم، یک چیز مهم را فراموش می‌کردا وقتی می‌فتم استخر به محض اینکه وارد آب می‌شدم یادش می‌آمد جوراب‌هایش را در نیاورده! روز دامادی‌اش هم نشسته بود توی تالار و داشت موز می‌خورد که زدم روی شانهایش گفتم داداش جان عروس سر سفره عقد منتظر است ها! یکدفعه زد روی پیشانی‌اش و گفت: آخ [آخ عروس را توی آرایشگاه جا گذاشتی!

خلاصه گذشت تا برادرم مسئول تیم ملی بوکس شد؛ اما بعد از المپیک ۱۹۹۲ از مقامش برکنار شد. هر چند دلیل برکناری‌اش را به هیچ کس نگفت، اما با پرس و جوهایی که کردم متوجه شدم دستکش‌های «علی اصغر ظلمی»، بوکسور تیم ملی را جا گذاشته و تیم ملی را سوزه رسانه‌ها کرده است! این اواخر هم مسئول تیم ملی بیلیارد شده بود که چوب‌ها را در فرودگاه جا گذاشت و تیم ملی بیلیاردمان از مسابقات حذف شد!

از آنجایی که در ورزش تیروکمان همه چیز دست خود ورزشکار است و امکان جانمندن هیچ چیز وجود ندارد، برادرم را منتقل کردند به فدراسیون تیروکمان، اما آنجا هم کار خودش را کردا ماجرا از این قرار بود که در مسابقات آسیایی، برادرم رفت سراغ مسئولان مسابقات و از آنجایی که انگلیسی بلد نبود، با ایما و اشاره از مسئولان برگزاری مسابقات پرسید مسابقه ورزشکار ما ساعت چند شروع می‌شود؟ و مسئولان هم با اشاره دست به او گفتند دو دقیقه دیگر. برادر ما هم فکر کرده منظور ساعت دو است و تیرانداز کشورمان را فرستاده ناهار بخورد و به این ترتیب تیراندازمان از مسابقات حذف و چهار سال زحمتش در یک لحظه باد هوا شد!

برادرم اما از رو نفرت و مسئولیت گندی که زده بود را نپذیرفت و در پاسخ به خبرنگاران گفت: بروید از ورزشکار و مربی‌اش بپرسید چرا به مسابقه نرسیده است!

پی‌نوشت یک: برادرچان اگر ورزشکارمان در مسابقات قهرمان می‌شد هم همیشه درباره قهرمانی‌اش صحبت می‌کردی یا با هوچی گری مدال طلا را به نام خودت و فدراسیون ثبت می‌کردی؟

پی‌نوشت دو: برادر گرامی اگر حذف شدن ورزشکارمان به ضعف مدیریت به شمار بیفتی نداره، در محل برگزاری مسابقات چه کار می‌کنی اصلاً؟!

پی‌نوشت سه: «ششپایی بهار»، رئیس فدراسیون تیروکمان در واکنش به حذف زهرا نعمتی کماندار کشورمان از بازی‌های آسیایی گفت: من نباید صحبت کنم. بروید از زهرا نعمتی و مربی‌اش بپرسید هر چه بگویند حرف من است!

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان یور

قدرت فراتر از قانون ترامپ؟

هفته نامه اکنومیسیت در تازه‌ترین شماره خود، در گزارشی شرایط دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در مواجهه با استیضاح و یا دیگر احتمالات تحت پیگرد قرار گرفتن‌های قانونی وی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این نشریه با انتخاب تیتز «فراتر از قانون؟» و انتخاب یک عکس ساده و بدون طرح تمسخرآمیز از وی که پیش از این کمتر در نشریات منتقد ترامپ دیده‌ایم، این فرضیه را مطرح می‌کند که آیا واقعاً سیستم قضایی آمریکا توانایی مقابله با ترامپ را دارد؟

انقلاب در وسایل الکترونیک

هفته‌نامه علمی ساینس در تازه‌ترین شماره خود از کشف ترکیب جدیدی در جهان علم خبر می‌دهد که می‌تواند تحولی انقلابی به وجود بیاورد. «گرافین شبه کریستال» که با ساختارهای بلوری شکل خاص خود ترکیب عجیبی را به وجود آورده و توانایی تحول زیربنایی در ساخت وسایل الکترونیک و به وجود آوردن انقلابی در ساخت این وسایل را دارد. این نشریه همچنین در مقاله‌ای چند صفحه‌ای با عنوان «فردای زمین» شرایط آینده کره زمین را از جوانب مختلف می‌سنجد.

بازار داغ ابرقهرمان‌ها

ماهنلمه توتال فیلم در تازه‌ترین شماره خود به جدیدترین فیلم از بازار داغ این روزهای ابرقهرمانان در سینماها می‌پردازد. این نشریه با انتخاب تیتزر «قهرمانان بزیند کنسار» از امیدهای بالای فیلم «نوم» و بازیگر مشهور آن یعنی تام هاردی برای فتح گیشه‌ها و شکستن رکوردها می‌گوید. هاردی در مصاحبه با این مجله، فیلم نوم و راعمایی، کارزماتیک، خطرناک و ترسناک لقب داده است. این نشریه همچنین شماره جدید فیلم «شرم» و فیلم ابرقهرمانانه دیگر را که در آستانه اکران قرار دارند، زیر ذربین برده است.

گزارش از شخص

قلندر شاعران

آیا افکار و اندیشه‌های «یوسفعلی میرشکاک» در آستانه ۶۰ سالگی تغییری نکرده است؟

رسمی هستیم نه خانه‌ای داریم نه کاری داریم و نه سرمایه‌ای بحمدالله این هم از نتایج کار فرهنگی است ».

مورد نظر، شاعر باشد! سخت‌تر اینکه با همه ارج و رتبه‌ای که در شعر و شاعری دارد، شخصیتی فراتر از «فقط یک شاعر» داشته باشد، منتقدی متفاوت به شمار بیاید، شاگردی برخی فلاسفه سرشناس را کرده باشد و نشانه هائی از شوریدگی‌های خاص در او دیده شود.البته ماجرا بازم دشوارتر می‌شود اگر فرد مورد نظر «یوسفعلی میرشکاک» باشد که حتی بدون این توضیحات، هم می‌تواند یک سوزه جذاب به نظر برسد و هم پیچیدگی‌ها شخصیتی‌اش، دست و دل کسی مثل من را هنگام نوشتن بلرزاند. بنابراین اگر مجبور شدیم «میرشکاک» را فقط از نگاه دیگرشاعران و منتقدان و یا از زبان خودش روایت کنیم، برای این است که مسئولیت پیامدهای احتمالی این گزارش را بیندازیم گردن کسی غیر از خودمان!

همان آدم پشت کوهی

اصلش «میرشکار» بود اما خیلی خیلی قدیم‌ها، وقتی مامور ثبت احوال هوس کرد شکسته نستعلیق بنویسد، «ر» را جوری توی بسجل نوشت که «ل» خوانده می‌شد! تا مدت‌ها «میرشکال» بود تا دوره‌ای که معلوم نیست چه کسی و چطور تشخیص داد برای «لام» سرکش بگذار و «میرشکاک» را خلق کند و گرنه چه خودش و چه دیگر اعضای خانواده نسبتی با شک و شکاکی ندارند.

پدرش چند سال پیش گفته بود از طایفه «ساکي» هستند. تبارشناسان «ساکي»‌ها را از «لُر» های می‌دانند که در لرستان، خوزستان و... پراکنده‌اند. پدر میرشکاک اما در تعریف «ساکي»‌ها می‌گوید: «... از اسکیموها بگیر تا عرب و عجم که یک طایفه گسترده‌ای است با زبان‌های مختلف لُر، عرب، افغانی و...!» خود «یوسفعلی» هم که در نوشته‌هایش چند بار گفته است که من یک «لُر پشت کوهی ام» و در مصاحبه هایش اضافه کرده است: «بنده طبق شناسنامه‌ام اگر درست باشد، متولد بیستم شهریور ۱۳۲۸ هستم و در روستای خیرآباد از توابع شوش دانیال... لُر پشت‌کوه را ما بیشتر به طنز و تعریض گفتیم یعنی لری که خیلی لر است و عقل معاش ندارد که الحمدلله نداشتیم و هنوز هم نداریم و حالا باوجود بزرگداشت و این جور چیزها و این جور حرف‌ها هر وقت ما بهمیریم زن و بچه‌مان باید اسیری به شام بروند چون واقعاً نه جایی

انسان جوانمردی هم هست و لوطی است. یک خاطره‌ای دارم که زمانی یکی از خوانین ما به فقرا کمک می‌کرد. ایشان صد تومان داد و یوسف ۱۰۰۰ تومان کمک کرد... شما می‌گویید جوانمرد، ما می‌گوییم لوطی. یوسف یک لقمه نان داشته و آن یک لقمه را نصف کرده بین دوستان و هموعنائش. از زمان کودکی‌اش یادم هست اگر یک ۱۰ ریالی هم داشته خرج رفقایش کرده است... یوسف واقعاً لوطی است... کلاس سوم که بود می‌رفت و به کلاس پنجمی درس می‌داد...»!

مثل رادیو خاموش می‌شدم!

اینکه ما گفتیم و پدرش هم تأیید کرد که «یوسفعلی فقط شاعر نیست» را شما هر طور که دلتان می‌خواهد تفسیر کنید، یعنی هم لوطی و قلندرش بداندید و هم نویسنده گاهی هم هیبت و هیئت متفاوتش، حکایت از تغییر می‌کند. با این همه چند روز پیش و در گفت و گو با «خبرگزاری مهر» درباره خودش گفت: «من در اندیشه خود تغییری نمی‌بینم... اما چون بعضی از دوستان بدون تأمل و شتاب زده گفتار و کردار مرا از روی قیاس به نفس مورد قضاوت قرار می‌دهند؛ یا توقع دارند شعارهای آن‌ها را تکرار کنم یا اگر خود دگرگون شده‌اند بنده هم به دگرگونی آن‌ها لیبیک بگویم؛ چنین فکر می‌کنند... من هیچ گاه به هیچ ایده‌آل زمینی و دنیوی حاصل از ایدئولوژی دلیسته نبوده‌ام، که اکنون از آن ناامید باشم. ایدئولوژی در نظر من چیزی نیست جز به خدمت سیاست و قدرت گماشتن دین یا آیین یا مکتب و مدعا و از این حیث هیچ فرقی میان ایدئولوژی‌ها و ایدئولوژیست‌ها نیست».

فقط شاعر نیست...

غلامعلی میرشکاک ۹ سپر و ۶ دختر دارد و معتقد است همه فرزندان تحصیلکرده‌اش، چه آن هایی که دکتری ادبیات و فلسفه دارند و چه آنکه رشته شیلات را تا دکتری خوانده، همه‌شان شاعرند! او خودش هم ذوق شعر گفتن دارد، «یوسفعلی» را اما با همه بی‌مدرکی، از همه شاعرتر می‌داند و در معرفی پسرش می‌گوید: «یوسف استاد است... اصلاً استعدادش خدادادی است... وقتی شعر می‌گوید آدم بهت زده می‌شود... من که گریهام می‌گیرد...ایشان قبل انقلاب هم آرام نبود و شعر می‌گفت... سال ۵۷ دوستانش او را به تهران بردند... چندتایشان شهید شدن... یوسف هم همیشه تحت نظر ساواک بود... بعد انقلاب هم همه جا دعوتش می‌کردند و حقیقتاً تحویلش هم می‌گرفتند... زمان جنگ به جبهه می‌رفت و من فقط می‌توانستم بگویم: تو می‌روی من این زن و بچه تو را چه کنم عزیز...». پدر شاعر در خاطراتش برای «یوسف»‌اش سنگ تمام گذاشته و گفته است: «فقط شاعر نیست...



همیشه نشانه‌های از طنز را با خود دارند. همان‌طور که برخی دیگر او را از جمله درویش «بارسانی» لرستان دانسته‌اند و شما هم ممکن است در نگاهی مختصر به زندگی، رفتار، گفتار و البته ظاهر شاعر، بتوانید نشانه‌هایی از درویش مورد نظر را پیدا کنید! بنابراین اگر اینجا و آنجا گاهی اظهاراتی از او را در باره مقولات مختلف دیدید که به نظر تان عجیب و غریب آمد، می‌توانید بخشی از آن را به حساب روحیه طنزآنهاش بگذارید و بخش دیگر را به حساب صراحت و بی رودربایستی بودنش. اما در هر حال یقین داشته باشید که «میرشکاک» با این طنزپردازی دارد به برخی واقعیت‌های تلخ و پسیدا و پنهان یک دیگر را به حساب صراحت و بی رودربایستی برده...«سینمای قبل از انقلاب باوجود همه کاستی‌هایی که داشت سینمایی بود که حتی مسیهانه‌ترین وجهش رو به اسطوره داشت... من هر وقت جیمز کامرون اقدام می‌کرد که فیلم بسازد، دعا می‌کردم که خدایا این فیلم شکست نخورد. نماز می‌خواندم! جدی می‌گویم ها، همه رقصا می‌دانند. چرا؟ چون می‌دانستم این فیلم می‌رود سراغ آن سوزه‌ای که ما دنبالش هستیم، در «ترمیناتور» یک نفر از آینده می‌آید که نجات بدهد، هم‌زمان وجه شورش هم می‌آید؛ تبرد نور و ظلمت است... ۲۰سال است که تلویزیون را برای خودم حرام کرده‌ام. گاهی اوقات رد شده‌ام دیده‌ام مثلاً سریال «یوسف پیامبر» پخش می‌شود، فقط خودم را تکت زده‌ام و هوار کشیده‌ام رو به آسمان که نیست این‌طور، این تحریف است و دروغ است!«.

روزمره نگاری

شناسنامه‌ها!حضور شدند

ایستگاه / رقیه توسلی | شناسنامه‌ها روی هم تلنبار شده‌اند... آقاجان آن‌ها را احضار کرده که اسم فرزند ارشد از قلم قلم‌دادش را برگردانند... به المثنی‌ای که کارش را درست انجام نداده. شناسنامه‌ام را می‌سانم و می‌خواهم خداحافظی کنم که عزیز اصرار دارد جای نخورده نرم. این‌طور می‌شود که من و «ملاحت خانوم» حالا روبروی پنج عدد جلد رزم نگ نشسته‌ایم و داریم تا ته نغاری خانه را تورق می‌کنیم... از خرمشهر و آبادان تا فومن و اردبیل و تهران تشریف می‌بریم ونقشه راسبر و سیاحت می‌کنیم، از محاسن داشتن پدر نظامی، یکی‌اش همین محل تولدهای متفاوت است... همین که هر کدام مان به خطه نجیبی از ایران منسوب‌ایم، ملاحت خانوم با حال خوش می‌گوید: عجب گشت‌وگذاری کردیم، ایول... که عزیز با چای و پولکی می‌آید.
می‌پرسم: مادر خوشگلش، از اینکه ۳۱ سال همسر یک نظامی بودی چه احساسی داری؟

که جدی جواب می‌دهد: اولاً که من همسر یک نظامی نبودم، خودم بعد از ۳۰ سال همراهی هر روزه، واقعاً یک نظامی‌ام. دوماً آن‌قدر فراز و نشیب، چشم انتظار، مقاومت، تنهایی، خون دل خوردن و اشک و سرپلندی دارد این شغل که احساس چند جمله‌ای در کار نیست، باید از چند جلد احساس حرف بزیم، سوماً عشق منجی است. ۱۹ سال از این شهر به آن شهر، از شمال به جنوب و شرق و غرب رفتن فقط کار یک عاشق است...عاشق خانواده، عاشق وطن. کیفور سر تکان می‌دهم و می‌گذارم خواهر برادرها از استان‌های خودشان بپرسند و خودم چای و پولک خوران دست مادر را می‌چسبم و اصرار می‌کنم چند دقیقه من را ببرد به گیلان... می‌برد... بشارش می‌گوید: یک همسایه نازنین داشتم در فومن که چادرشب باقی را یادم داد. سر شما برادر بودم که برای نصف فامیل، چادرشب رنگی فرستادم. عشق به میرزاقاسمی آقاجان هم، از همان سه سال فومن نشینی می‌آید. دل می‌کنم از حکایت شناسنامه‌ها و عزم رفتن دارم که ملاحت خانوم سقله می‌زند: تپرسیدی با این حجم مسافر بودن، حالا خودش را کجایی می‌داند؟ دستم روی دستگیره در است که این سؤال را با مادر نظامی عاشقم مطرح می‌کنم. او به شناسنامه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: بی شک همه جای ایران... وجب به وجبش... اما طعم زادگاه آدمی، چیز دیگری است!

پی‌نوشت: حرف عزیز به شیرینی پولک می‌رود در خونم وقتی شانه به شانه ملاحت خانوم از خانه می‌زنم بیرون و به فومن همسایه فکر می‌کنم.

عقلم می‌کشه!



نوشت: «روز پزشک رو به همه پزشکان شریف کشورمون تبریک می‌گم». در ادامه اما انتقادهای تند برخی کاربران فضای مجازی که فکر می‌کردند حمید فرخ‌زاد هنگام یک عمل جراحی وارد اتاق عمل شده و از خودش سلفی گرفته، او را مجبور کرد این توضیح را هم زیر تصویرش اضافه کند: «بشت صحنه فیلم سمفونی نهمه، عقلم می‌رسه اینجوری نرم اتاق عمل، حالا به یگو»!

رونمایی «کیمیا عزیزاده» از همسرش



ایستگاه / هر چند کیمیا عزیزاده به دلیل پارگی رابط صلبیی به مسابقات آسیایی نرسید اما با انتشار تصویر حلقه ازدواجش در اینستاگرام، این روزها در صدر اخبار قرار گرفته است. در حالی که کاربران فضای مجازی در حال گمانه‌زنی درباره همسر این ورزشکار بودند، تصویری از کیمیا عزیزاده در کنار یکی از والیبالیست‌های سابق کشورمان در فضای مجازی منتشر شد که نشان می‌داد همسر کیمیا عزیزاده کسی نیست جز «حامد مندنچی»، والیبالیست مطرح کشورمان که دو سال پیش به علت مصدومیت از دنیای حرفه‌ای والیبال خداحافظی کرد! بسیاری از چهره‌های شاخص از جمله «مصومه ابتکار» معاون رئیس جمهور در امور زنان و «پوریا تالان» مجری تلویزیون، ازدواج این زوج ورزشی را به آن‌ها تبریک گفته‌اند.

با برنامه‌ترین نامزد ریاست جمهوری



ایستگاه / «محسن رضایی» در واکنش به شوخی «جناب پناه» با تعداد رأی‌خواهی در انتخابات ریاست جمهوری، متن زیر را در اینستاگرامش منتشر کرده است: «هم‌استانی عزیزم، جناب‌خان! از اینکه با شوخی با من وامثال من در این شرایط دشوار

اقتصادی، مرهمی بسر دردهای مردم

می‌گذارید، از شما و رامید جوان متشکرم. از ۱۲ انتخابات ریاست جمهوری، در دو تای آن‌ها شرکت کردم و در هر دو انتخابات، به نقل از نظرسنجی‌ها با برنامۀترین کاندیدایا بودم. در انتخابات سال ۹۲ هر یک از کاندیدایاها شعار یا نمادی را بر سر دست گرفت. من اما یک هزار تومانی در دست گرفتم، و گفتم پول ملی ما دارد سقوط می‌کند».